



مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجمین (۱۸) آگستماه ۱۳۳۵

فهرست مطالب :

- ۱- قرائت اساسی غائبین جلّه قبل -
- ۲- اعلامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه
- ۳- تعیین موقع جلّه بعد - عتم جلّه -
- ۴- راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۳۶ کل کشور -

مجلس ساعت سه و ده دقیقه بعد از ظهر بر است آقای مهندس عبدالقادر رضائی تشکیل گردید

غائبین مرخص - آقایان :

۱- قرائت اساسی غائبین جلّه قبل -

جلوید - جهاتگیری - طالب زاده - طباطبائی - مبارکی - کیهان رضائی -

رئیس - اسامی غائبین جلّه قبل قرائت میشود -
(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین بلاجله - آقایان :

۲- اعلامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع
به لایحه بودجه سال ۱۳۳۶ کل کشور -

مهندس آراسته - ادیب سیمی - مهندس
اسدی سمیع - امینی خراجی - جاهدی - تاجری - دیبیم -
روستا - رهبر - دکتر رهنوردی - ریگی - مهندس
زنجانچی - دکتر سعید - دکتر خیابانی - دکتر عدل -
غلام نیاکن - فهیمی - فیضی - کسرائی - کشفی - لغوی -
مجد - مهندس مینوی زند - نصیری - نوربخش - تیسار
سرلشکر هماپونی - بقوب تهرانی -

رئیس - وارد دستور میشود پیشنهاد های رسیده
درباره بودجه سال ۱۳۳۶ کل کشور مطرح است قرائت
میشود -
(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین بی اجله - آقایان :

ریاست محترم مجلس شورای ملی
پیشنهاد میسازم در بند ۲ تبصره ۴ عبارت «قابل
پرداخت خواهد بود» تبدیل شود به «باید پرداخت شود» -
دکتر مبین

دکتر صباح زاده - موفقی - دکتر چوهدی -

عین مذاکرات مشروح میسد و چهل و یکمین جلّه از دورنمیت و یکم قانونگذاری - اداره تکنویمی و مطبوعات

رئیس - آقای دکتر مین بفرماید.
دکتر مین - این پیشنهاد اصلاح عبارتی است که در کمیسیون دائمی هم موقع طرح پذیرفته شده بود. منتهی در موقع چپ اشتباه نمودم. بصورت نوز چپ شده است. شش است که باین وزیرخانه دادند. ایشان با ندارند اگر دارند که باید پرداخت شود و اگر ندارند نباید پرداخت شود پس اگر ما ۵ قایل بودیم پرداخت ۴ نگذاریم. صحیح است میباید پرداخت بشود یا نشود این است که در کمیسیون دائمی هم پذیرفته شد. تقاضا میکنم همانطور که کمیسیون پذیرفته تصویب شود.

دکتر گیلان (مخبر کمیسیون) بفرماید: پرداخت خواهد بود. فرمودی است که هزینه نوشته میشود ولی در این مورد موافقت داریم نوشته شود. باید پرداخت شود.
خواجeh نوری - اصلاح عبارتی است.
رئیس - اجازه فرمائید پیشنهاد بعدی قرائت شود.
دکتر گیلان -

(شرح زیر قرائت شد)
 ریاست معظم مجلس شورای ملی
 محترماً پیشنهاد مینماید بهره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۴۱ شرح زیر اصلاح شود.
بهره ۵ - شرح زیر اصلاح شود.
بهره ۵ - شرح زیر اصلاح شود.
 اعطای حرت همایون شاهنشاهی ایران و همایون شاهنشاهی ایران که از چشمانی بیست و پنج سال بنیاد گزاری شاهنشاهی ایران است. بهره ۵ دولتی گری چشمانی بیست و پنج سال مدتی گزاری شاهنشاهی ایران میباشد که از محل اعتبارات خودمان و پرداخت نماید.
 دکتر استادی
رئیس - آقای دکتر استادی توضیحی دارید؟
خواجeh نوری - توضیح لازم ندارد. موافقت.
دکتر گیلان (مخبر کمیسیون) بفرماید - موافقت.

رئیس - پیشه: بعدی قرائت میشود.
 (شرح زیر قرائت شد)
 ریاست محترم مجلس شورای ملی
 پیشنهاد مینماید در بهره ۸ حد از کمیسیون استفاده عبارت کمیسیون دائمی نیز اضافه شود.
دکتر مین
خواجeh نوری - این هم توضیح اختیاج ندارد.
موافقت میکنم
دکتر گیلان (مخبر کمیسیون) بفرماید:
رئیس - پیشنهاد بعدی قرائت میشود.
 (شرح زیر قرائت شد)
 ریاست محترم مجلس شورای ملی
 پیشنهاد مینماید در بهره ۱۰ جمله ۲ از فصل درآمد دولتی سال ۱۳۴۱ حذف شود.
مجلس سنی
دکتر گیلان (مخبر کمیسیون) بفرماید - قایل
پیشنهاد موافقت
خواجeh نوری - توضیح لازم ندارد. موافقت.
رئیس - پیشنهاد بعدی قرائت میشود.
 (شرح زیر خوانده شد)
 وزارت آموزش و پرورش اجازه داد میباید که در اختیار ما یک بودجه ساله خود را پس از پرداخت تعهدات قضایی از اعتبار سایر قبول تأمین و هزینه قضایی منظور نماید.
خواجeh نوری - با این اصلاحیه که شد فکر میکنم نظر آقای **مجلس سنی** هم همین است. بعداً موافقت مینماید بودی که پیشنهاد میکنم شش مبلغ تأمین است.
رئیس - پیشنهاد بعدی قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی
 محترماً پیشنهاد میشود بهره ۳۰ از جمله بودجه سال ۱۳۴۱ شرح زیر اصلاح شود: بهره وزارت دارایی اجازه داده میشود مبلغ هجرت و مسوولین ریل از تحمل جریمه جویی های بودجه سال ۱۳۴۰ وزارت جنگ مستثنی پرداخت حساب انفقارت یک رتبه رفیع دارد گنبد و صوری و وزیران دارای رتبه مهمتبی از رتبه یک سارنته پنج (شامل رتبه پنج) که از ابتدای سال ۱۳۴۰ بوجه تصویب نامه جنت وزیران اصلاح شد و در اختیار وزارت آموزش و پرورش و بگنبد و جنتیه مبلغ مذکور قرار داده باشد. ملحقان حقوق خود را سه ماهه مالی از رتبه و حق شایسته آموزش و پرورش دریافت گردد.
 پیشنهاد اصلاحی - همین نظر باشد.

خواجeh نوری - آقای دکتر وزیران باید پیشنهاد مشابه دادند اجازه فرمائید آن پیشنهاد هم قرائت شود.
رئیس - آقای مهندس فرماید.

مهندس آصفی - جناب نمایندگان محترم مستخر است که پرداخت ملحقان رتبه رفیع و رفیع دارندگان و رتبه وزیران دارای رتبه مهمتبی برابر نتایج پیشنهاد آریه میر از محل صرفه جویی های سال ۱۳۴۰ وزارت جنگ تأمین شده (ملحق احمدی، فکری همپای آموزش گران باید یکجدا) اجازه فرمائید. در بررسی که در کمیسیون بودجه شد معلوم شد که مبلغی که از صرفه جویی وزارت جنگ در اختیار وزارت آموزش و پرورش گذاشته شد تعهدات قضایی اضافه بر این مبلغ دارد که از این محل مستثنی شود. حقوق رتبه های اساسی همی اداری و حق شایسته وزارت آموزش و پرورش باید پیشنهاد

بند بر اساس رفیع تفضیل از تمام کسانی است که علاوه کار دبیری و تدوین و دبیرستانها را عهد باز شداند. با اهتمام فرمت باید این مطلب را بر شرح نمایند گران محترم بر سنامه که در اوایل سال گذشته برای توجه مخصوص جناب آقای نخست وزیر این ملحقان بود.

آمد که حکم یک پایه رفیع وزیران صادر شود. و مفاد یک ماهی است که اعتبار این محل تأمین شد امکان این پرداخت بود. امید است که بنده کردم بر اساس رفیع تفضیل است خواهشمند آقایان بنا به پیشنهاد است که این طبقه وزیران که بیرونی دارند گنبد نوجوانان ما هستند دارند موافقت فرمائید که از محل ۱ میلیون تومان این نظرات حقوقی و رفیع باشد. راجع به آرایه گران هم که جناب آقای صادق احمدی فرمودند فکر میکنم کمال استحقاق را دارند و از بابت تقاضا میکنم نسبت به استحقاق حق این طبقه هم توجهی فرمائید.

سابق احمدی - خیلی از جنابانی سلیک کرد.
رئیس - پیشنهاد آقای مهندس آصفی قرائت میشود.
 (شرح زیر قرائت شد)
 ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم بهره ۳۰ از جمله بودجه ۱۳۴۱ شرح زیر اصلاح شود:

بازارت دارایی اجازه داده میشود مبلغ هجرت و مسوولین ریل از تحمل جریمه جویی های بودجه سال ۱۳۴۰ وزارت جنگ مستثنی پرداخت ما به انفقارت یک رتبه رفیع دارد گنبد و صوری و وزیران دارای رتبه مهمتبی از رتبه یک سارنته پنج (شامل پنج) که از ابتدای سال ۱۳۴۰ بوجه جنتیه ملحقان رتبه رفیع وزیران دارای رتبه مهمتبی

تسهیل است که در اختیار ما یک بودجه ساله خود را پس از پرداخت تعهدات قضایی از اعتبار سایر قبول تأمین و هزینه قضایی منظور نماید.
خواجeh نوری - با این اصلاحیه که شد فکر میکنم نظر آقای **مجلس سنی** هم همین است. بعداً موافقت مینماید بودی که پیشنهاد میکنم شش مبلغ تأمین است.
رئیس - پیشنهاد بعدی قرائت میشود.
 (شرح زیر خوانده شد)
 وزارت آموزش و پرورش اجازه داد میباید که در اختیار ما یک بودجه ساله خود را پس از پرداخت تعهدات قضایی از اعتبار سایر قبول تأمین و هزینه قضایی منظور نماید.
خواجeh نوری - با این اصلاحیه که شد فکر میکنم نظر آقای **مجلس سنی** هم همین است. بعداً موافقت مینماید بودی که پیشنهاد میکنم شش مبلغ تأمین است.
رئیس - پیشنهاد بعدی قرائت میشود.

موقت منظور می شود. پیشنهاد در اینکه فزایان نامه شد و یکصد
رنگر خوانده می شود و در یک مکتوب

(شرح زیر قرائت شد)

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد می نماید در ترم ۱۰۵ هزینه اول فصل در آمد

عمومی سال ۱۳۳۹ حذف شود. مهندس صائبی

و قیس - خانها و آقایانیکه در این پیشنهادها موافقت

خواهش میکنند قیام فرمایند اکثر برخاستند) صوب

شد. پیشنهاد بعدی قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد می نماید در ترم ۱۰۵ فصل آخری از

تأیید مقرر بودجه عین موافقت وزارت دارائی ملت

شود.

دکتر حسین

وقیس - خانها و آقایان که با این پیشنهاد

موافقت خواهند می نماید قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

صوب شد. پیشنهاد بعدی قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نماید ترم ۲۳ زیر اصلاح شود:

۱. عبارت (برحسب درخواست قلمی از دادگاهها

رسیده یا فرسیده باشد حذف و نوشته شود) از اینکه

بدارگاه مراجعه شده باشد باشد و برحسب درخواست

قلمی رسیده یا فرسیده باشد.)

دکتر یزدان پناه - مرتضوی - مهندس مائلی -

شیخ الاسلامی - دکتر حاجعلی - کریم اهری - روحانی -

مجلس محترم.

وقیس - خانها و آقایانیکه با این پیشنهادها موافقت

خواهش میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) صوب

شد. پیشنهاد بعدی قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد می نماید در ترم ۱۰۵ فصل آخری از

تأیید مقرر بودجه عین موافقت وزارت دارائی ملت

شود.

دکتر حسین

وقیس - خانها و آقایانیکه با این پیشنهادها موافقت

خواهش میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) صوب

شد. پیشنهاد بعدی قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

محترماً پیشنهاد می نماید ترم ۵ قانون بودجه

سال ۴۹ شرح زیر اصلاح شود:

تصریح ۵. کلیه هزینه مربوط بجهت ناچگداری

اعلی حضرت هدایت شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت

شهبانوی ایران که از جنبشای بیت و پنجین سده

بنیاد گزینا شاهنشاهی ایران است بعد از شورای ملی

جنبشای بیت و پنجین سده بنیاد گزینا شاهنشاهی ایران

میباشد که از مبلغ خود تأمین و پرداخت نماید.

دکتر امشادی

وقیس - خانها و آقایانیکه با این پیشنهادها موافقت

خواهش میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) صوب

شد. پیشنهاد بعدی قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

مؤلف محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد می نماید در ترم ۳۰ - و ۳۱ - سال ۱۳۳۹

اصلاحات زیر بعمل آید.

۱. کلیه قطع از سفر صوب حذف شود.

۲. در صورت تأمین اعتبار عمارت سازمان وزارت

تعديل گردد.

صادق احمدی

وقیس - اینها قطع که در صورت تأمین اعتبار

تبدیل شده یا تأمین اعتبار و تسلیح دولت و قیام

شده است. معافی نیست (تظاری شده) ما این پیشنهاد

دای مکتوب خانها و آقایانیکه موافقت خواهند

میکند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) صوب شد.

پس مکتوب شد.

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد می نماید ترم ۲۳ جدول زیر اصلاح شود:

تصریح ۴۴ - رسیده یا فرسیده باشد یا تأمین

اعتبار حدا اکثر طرف ده سال بودجه های سالانه ...

الی آخر.

دکتر امشادری - دکتر جنوری

وقیس - آقای دکتر امشادری فرمایند.

دکتر امشادری - این همان پیشنهادی است که

آقای صادق احمدی دادند متشابه است پیشنهاد کرده بودیم

که حدا اکثر طرف ده سال بود. پیشنهادی که آقای

احمدی فرمودند چون نظرمان تأمین شده پیشنهاد خود را

پس مکتوب

وقیس - پیشنهاد بعدی قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

فراکسیون پارلمانی حزب مردم پیشنهاد میکند

تصریح ۳۰ - بودجه سال ۱۳۳۹ کل کشور صورت زیر اصلاح
شود:

تصریح ۳۰ - هیئت وزیران داده شده و همچنین

ما به القادوت حقوق - نه اداری لیست نهادهای اداری و قس

را در مورد لیسانسهای شاق خدمت آموزشی در اختیار ...

الی آخر.

امام مردم - دکتر امشادری - کیهان نظامی -

روحانی - دکتر رضایی - ناصر طاطائی - میرهادی -

ناصر مهدی.

خواجگ نوری - با اصلاحاتی که شده فکر میکند

نظرشان در این مورد تأمین شده است.

وقیس - منظور است آقای دکتر امشادری ؟

دکتر امشادری - نه قطع آن ۱۰۰٪ را که

گذاشته اند مانند مفاکات بودیم.

وقیس - پیشنهاد بعدی قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

محترماً پیشنهاد می نماید:

در نهادهای ترم ۲۳ ۱۰۰٪ بودجه کل کشور در سال

۱۳۳۹ اصلاحات زیر بعمل آید:

در ۱ - و وزارت دارائی می تواند علمیت فرود

باز خرید و همچنین پرداخت بهره اوراق قرضه موضوع

این ترم - با بعد از یک مرکزی ایران و افغانستان -

باغش کر - الی آخر.

دردباد - کلیه امور مربوط به نحوه اجرای

علمیت با صوب هیئت نظارت بر اوراق قرضه انجام

خواهد گرفت.

در ۲ - هیئت نظارت بر اوراق قرضه مرک

است از: الی آخر.

در ۳ - تاریخ انتشار و مبلغ رسمی و نرخ بهره

و سرسید اوراق قرضه موضوع این ترم - با توجه به میزان

تعیین شده بودجه کل کشور - و با در نظر گرفتن وضع

بازاری و بوسیله هیئت نظارت بر اوراق قرضه و توسط

رئیس دهم در آنجا بود از آنجا که دست و پر بر پشتش
میستود و در صورت نصب مقام منگور بموقع اجرا
گذاشته شود.

دریغده - دولت همدها بمنای مبارزه با مردم
که بزور ملتق به از آن فرقه موموع این نهمه را در
بوجود آن کشود منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ
مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.

دوستان - پیشنهاد مینمایم که رقم چهارده
میلیون تغییر داده شود.

دریغده - آنگین نامعراجر این نهمه توسط وزارت
دراستی تهیه و پس از تصویب حیات وزیران قایل اجراء
خواهد بود.

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

دوستان - پیشنهاد میشود که بند ۱۸ حذف
و در کتب اداری

خواهد کرد تا این جهت بنده استدعا دارم که در ۱۷ و
۱۸ ماده بنده و این روشها در آقای دکتر عدل مطباعتی
کر ممکن باشد پس میگردد.

رئیس - آقای دکتر عدل مطباعتی فرماید:

دکتر عدل مطباعتی - بنده قدمت از موسسات
جنبش آقای دکتر مجیدی در سایر بنده فرموده
متشکر در مورد مواردی که اختلاف بین بنده پیشنهاد
بنده و توضیحات ایشان بنده به استحضار مجلس میرسانم
که در مورد بنده بنده مبلغ شصت فرمایش ایشان و
پیشنهاد خود را پس میگردد زیرا فرقی نیست در مورد
بنده در ضمن توضیحاتیکه ایشان را ذکر نمودند که
بنده که در مورد هر دو بابی نیست و عبارتی بنده
نمیست آنچه بنده بنده بنده را که بنده پیشنهاد کردم
قرات کند و بدست نوجیب عرض کنم آنچه بنده پیشنهاد
کردم است دولت همدها بمنای مبارزه با مردم

مرکز متعلق به از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ
مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.

این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.

این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.

این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.

این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.

این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

متشکر و دولت خود را پس میگردد زیرا فرقی
نست در مورد هر دو بابی نیست و عبارتی بنده
نمیست آنچه بنده بنده بنده را که بنده پیشنهاد کردم
قرات کند و بدست نوجیب عرض کنم آنچه بنده پیشنهاد
کردم است دولت همدها بمنای مبارزه با مردم

مرکز متعلق به از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.
این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.
این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.
این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.
این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.
این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.
این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.
این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

مربوط را اختیار بانگ مرگی ایران قرار خواهند داد.
این نهمه از آنجا که فرقه موموع این نهمه را در
بوجود کل کشور منظور داشته و خزانه داری کل مبلغ

رئیس - دست به انداختن غرضی نیست (آهاری) رأی میگیرم چه حد بود و آقا سیکه موافق موافقت میکنم شد رأی میگیریم خاصه آقایان که موافقت موافقت میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. آقای دکتر عدل خطاب فرمود: منم را بی کرب فرستاد دکتر عدل - منم را بنده بی کرب فرستاد رئیس - بنده فراتست میبود.

(شرح زیر خوانده شد)
درینصورت هیئت نظارت بر اوراق فرستاده که است از ... الی آخر.
رئیس - نسبت به این پیشنهاد درینصورت نظری نیست (آهاری) رأی میگیرم به بنده خاصه و آقایانکه موافقت موافقت میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. بنده فراتست میبود.
(شرح زیر خوانده شد)

بنده ۶ - تاریخ انتشار و مبلغ رسمی و نرخ بهره و سرسپردگی از قرضه موضوع این تسمیه بنا برجهت میزان تعیین شده در بودجه کل کشور و با نظر گرفتن وضع بازار از بودجه بیسبب هیئت نظارت بر اوراق زمین و توسط رئیس بانک مرکزی بویژه در اوراق و نسیخت وزیر پیشنهاد میبود تا در صورت تصویب مقامات مذکور بپایان اجراء گذاشته شود.

رئیس - نسبت به این قسمت نظری نیست (آهاری) شد رأی میگیرم چه خاصه و آقایانکه موافقت موافقت میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. بنده فراتست میبود.

(شرح زیر قرائت شد)
بنده ۹ - دولت همه ساله مبلغی معادل با بهره و دگر مزه نقلی به اوراق قرضه موضوع این تسمیه را در بودجه کل کشور منظور داشته و خزانه دارینکل مبلغ مزبور را در اختیار بانک مرکزی ایران قرار خواهد داد.
رئیس - در این قسمت نظری نیست (آهاری) شد

رئیس - آقای فخر طباطبائی مثل اینکه تأمین شد و میری دارند.

فخر طباطبائی - مثل اینکه دولت تأمین کرده بنده اصلاح شد. آقایان را عرض میفرمایم: خواهش میفرمایم که در صورتی که موافقت میفرمایند بنده عرض میفرمایم.

فخر طباطبائی - بنده چون عین این تسمیه را خواصند این پیشنهاد را داده.
دکتر اسکندری - نظر جنابعالی تأمین شده است.
فخر طباطبائی - اگر تأمین شده بنده عرض میفرمایم و این تسمیه میگیرم.

رئیس - پیشنهاد بدی قرائت میبود.
(شرح زیر خوانده شد)
رئیس - در این قسمت نظری نیست (آهاری) شد

رئیس - در این قسمت نظری نیست (آهاری) شد رأی میگیرم چه خاصه و آقایانکه موافقت موافقت میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. بنده فراتست میبود.
(شرح زیر خوانده شد)

بنده ۱۸ - پیشنهاد میبود که بنده ۱۸ حذف شود.
رئیس - آقای دکتر عدل طباطبائی بفرمایند.
دکتر عدل طباطبائی - پیشنهاد در مورد بنده ۱۸ رأی میگیرم.

رئیس - پیشنهاد بدی قرائت میبود.
(شرح زیر خوانده شد)
مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میباید تسمیه ۲۲ شرح زیر اصلاح شود بنده ۲۲ به منابه تفاوت مورد مطالعه در کارکن دولت با اشتباه محاسبه حقوق موضوع ماده ۲۶ قانون متمم بودجه سال ۱۳۳۲ در تأمین اعتبار اجزاء از محل دیون مسوقه دولت قیام فرماید خواهد بود.
فخر طباطبائی

۷۰ پیشنهاد ذکر شده است ۷۰ از اول سال ۱۳۳۲ بعد هر گونه تسمیه که حقوق مستخدمین لشکر را کم کند در نتیجه تغییر اصل یا تعدیل و تشخیص پایه داده شده یا بشود ضللتی خدمت یا ورثه آنها بزرگوار میباید از تفاوت حقوق بازنشستگی و وظیفه آن استفاده نمایند که حداقل معادل بیست سال از تفاوت جدید استفاده نمود و باید امتیازات این اطلاق شرایط مقرر در قوانین مربوطه برای باقیاندامت در حقوق بازنشستگی و بقیاندامت خدمت در موقع فرار از حقوق وظیفه حد اکثر به اتمام دهال خدمت بازنشستگی پرداخت نمایند و چنانچه شش خدمت در موقع بازنشستگی و یا فرار از حقوق وظیفه کسر از بیست سال باشد کسر و بازنشستگی باید امتیازات مربوط بدان معنی ترمیم شود خواهش میفرمایم.

اماطی که در این باب است و موضوع این است که بازنشستگان دوران آنها نیز که از تاریخ فوق حقوق بازنشستگی یا وظیفه آنها ترمیم گردیده باشد و تکلیف پرداخت باید امتیازات کسر بازنشستگی ترمیم و اصلاح میباید. خواهش میفرمایم که اگر معاینه ترمیم است که حالات بازمیور عینه در مورد آن سید تومان کم میکند و به این حساب هر ماه ۳۰ تومان بماند اینها پرداخت کنند اگر نظر دولت این است که سید تومان بازنشستگان داده شود که کسر از این مبلغ تنود خواهش میکنم پیشنهاد بنده را مورد توجه قرار دهید (خواجگنوری - بسیار محبت است)

رئیس - نظر مخالفی نیست؟
خواجگنوری - پیشنهاد را بفرمایید بیکار دیگر قرائت شود.
رئیس - پیشنهاد بیکار دیگر قرائت میبود.
(شرح سابق خوانده شد)
رئیس - نظر مخالفی نسبت به پیشنهاد نیست؟ (آهاری) شد) باین پیشنهاد رأی میگیرم چه خاصه و آقایانکه موافقت موافقت میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پیشنهاد بدی قرائت میبود.

(شرح سابق خوانده شد)
رئیس - نظر مخالفی نسبت به پیشنهاد نیست؟ (آهاری) شد) باین پیشنهاد رأی میگیرم چه خاصه و آقایانکه موافقت موافقت میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پیشنهاد بدی قرائت میبود.

اشرح راز خود شد
رواست محترم مجلس شورای ملی
ویرایش و تصحیح شده در آخر سرفه نسیم ۳۳۳
دو هزار و پانصد و هشتاد و نود

فهرست مطالبی

و کلی - آقای مقرر مطالباتی بفرماید .

فهرست مطالبی - بر من کتب این نسیم ۳۳۳ مربوط

به ملاقات است که دو هزاره با شیرو خورشید شرح

بیکر مدیس شتر و خورشید سرتکی از تفریح بن مؤسسان

خبر به این مملکت است که ایضا نه تنها در خارج از ای

امین مملکت تمام آثار عثمان هم در دست خارج از

مملکت می باشد و برای علم هر کس که در مملکت است

و این خبر حسوس و بواسطه بیکر مملکت است که

قدسی است که در این مملکت در این مملکت است که

بودن می باشد این مملکت است که در این مملکت

و استقامت احرار است و در این مملکت است که

هست و این مملکت است که در این مملکت است که

من اشتاد دارم و بنده خورشید شرح است که

بر خلاف این مملکت است که در این مملکت است که

کردم چون درودجه است که در این مملکت است که

نیست اما اگر در این مملکت است که در این مملکت

تقریباً یک هزاره اضافه می شود در این مملکت است که

نوشه دولتر را خورشید شرح کم جنبه آقای دکتر یگانه

موجه شیرو خورشید شرح با هر طریقی که می شود

ممکن است برای یکسب این مؤسسه است که در این مملکت

است موقوفاتی هست میوه اولیله این و با بعد امانی

شیرو خورشید شرح از این سیرتین سیرتین هالی که

مین میکند و میفرستد و قاعدتاً لازم است که در این مملکت

عالمی میکند و خورشید شرح در این مملکت است که

که هیچ فضایی تازش ندارد دروداد شیرو خورشید شرح

آن سنه بنظر آید آن است و چیزی هم تاملت نمیکند

ولی خوب کسی میکند به این مؤسسه

و کلی - اخذ مقرر باید پیشش را بکلی و دیگر فرائت

شود

اشرح سابق خوانده شد

و کلی - خانها آقایان که با این پیشش با موافقت

خواهش میکنم قیام فرمائید (اگر برخاستند) خوب

شد . پیششاد مدی قرائت میشود .

اشرح زیر خوانده شد

مقام محترم ریاست عطایای مجلس شورای اسلامی

پیششاد مستند در صفحه ۱۷۷ کلی شرح با جزئی

برنامه و فعالیت های دولتی در وقت برنامه آموزشی عالی

کدام ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ از این بعد از ۱۳۰۰ و اینکه همه

کتبوزی که در این مملکت است که در این مملکت

در دین ۱۵۰ در کتابت زمین برنامه های نوشته شود

چنانکه کتبوزی که در این مملکت است که در این مملکت

سرتیپ پور

و کلی - آقای سرتیپ پور فرماید .

سرتیپ پور - داشته کتبوزی که در این مملکت

و ضایع شاخته و لقمه مخصوص جنبه آقای رئیس سرتیپ

مجلس شورای اسلامی است که در این مملکت است که

در مورد داشته کتبوزی که در این مملکت است که

است بهر حال جنبه ای بودجه فرمایند داشته کتبوزی

دشت که ضمه داشته کتبوزی که در این مملکت

عرض کردم بجای دولت و مرحمت شاخته و جنبه آقای

رئیس بزرگند در اجراء فعالیت هالی که در پاره داشته

بهران نوشته شده است که در این مملکت است که

بنده است اما سرفه برای نبات نامه که در این مملکت

نام : بنده است اما سرفه برای نبات نامه که در این مملکت

در حقیقت هیچ چیز جزایبات نامه که در این مملکت

بنده پیششاد که در این مملکت است که در این مملکت

نظم وارد نظام کرده و بودجه ضمن اینکه نوشته میشود
تأسیس هر هنر داشته که در این مملکت است که در این مملکت
فرمودند شرح جزایبات آقای رئیس محترم کمیسیون علم
نده حضان آقای دکتر میهمی هم موافقت کرده اند .

و کلی - نظر مخالفی است

اعیان گلان - یکبار دیگر قرائت شود .

و کلی - مجدداً قرائت میشود .

اشرح سابق خوانده شد

و کلی - آقای سرتیپ پور را شرح نظر کرده بودیم

میکنی راهی می شود که در این مملکت است که

بوده زمین است برای این مملکت است که در این مملکت

در مملکت است که در این مملکت است که در این مملکت

و آقای سرتیپ پور را شرح نظر کرده بودیم

دولت اگر قبول کند و در صورت مجلس نوشته شود

است آقای دکتر یگانه شایسته این مملکت است که

دکتر یگانه (بزرگوار) - اینان مجلسی که

یاد آوری فرمودند کافی است .

و کلی - پیششاد بدی قرائت میشود .

اشرح زیر خوانده شد

مقام محترم ریاست عطایای مجلس شورای اسلامی

با دفتر کرتن این لکته که داشته کتبوزی

گیلان در سال ۱۳۴۵ در دشت افتتاح گردید است ضمه

داشته کتبوزی که در این مملکت است که در این مملکت

نامه دشته بیانات نامه که در این مملکت است که

نده است اما سرفه برای نبات نامه که در این مملکت

دانش و اجراء برای نبات نامه که در این مملکت

موضوع برنامه های داشته کتبوزی که در این مملکت

آسیب شناسی اضافه شود .

و کلی - اینهم بمن مثل همان پیششاد قبلی است

که در مورد باید در دشت است آقای در حقایق اضافه فرماید

روحانی - اینها مسائل فنی است بنده نمیتوام
تخصصاً بگویم که گیلان در مملکت خوب و بنده سرود
تفصیح این مسائل با اهل فن است چون ما و اهل فن بودیم
بیانات نامه که در این مملکت است که در این مملکت

و کلی - بیانات آنها بیانات نامه که در این مملکت

تاریخ حکت نگارنی نامه داشته شد

دکتر یگانه - این مورد در دفتر گرفته خواهد شد

امان مطلب است

عواصم نوکی - نماینده دولت موافقت کرد .

و کلی - مبارکباد پیششاد مدی قرائت میشود .

اشرح زیر خوانده شد

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیششاد مستند در صفحه ۳۳ که در آن چهار هزار

میج در دفتر مدخل داشته است همان مورد اول اصلاح

شود . همان چهار هزار باشد .

دکتر خلیلی

و کلی - آقای دکتر خلیلی فرماید .

دکتر خلیلی - بنده خواستم اذیت جنبه آقای

فقر طایف را بگویم که در این مملکت است که در این مملکت

شرح فرمودند سبب این نام البته آنی که بنده

برای سرتیپ پور نوشته شرح خوب است که در این مملکت

است این عبارت در مملکت است که در این مملکت

مجلس به جهت شیرو خورشید شرح در این مملکت

لفظ وضیعت فی الواقع خدمت کاران جمعیت را بنویس

بگو و خدمت سرتیپ یگانه که در این مملکت است که

صحیح است ، حاجت میکند) خیلی تذکر میکنم فکر

کردم که چون نماینده دولت در این باب توضیحی

فائده و امکان این دارد که شاید باطلت موافقت نیابند

و قیلا به همان چهار هزار توافق شده بود

بنده هم کردم با آقایان این پیششاد شاید جنبه آقای

دکتر یگانه و وضیعت این مملکت است که در این مملکت

شده (مانند گلان - مجلسی رای داد) این بود که در این مملکت

توجه خاص مجلس شورای ملی که نمایندگان محترم با

نهایت علاقه با این پیششاد رای دادند با این همه خودم

نشدند تصدی اصلاح کرده و آنرا به ما بماند که احزاب
 برآمده این عادت مجلس شورای ملی به عهد ما صورت
 چه در اثر رشد در حال حاضر ما راه مسالمت آری میماند
 بر طرف و هر احد از طرف خطای هر هفت و حرمت
 نباید بکن مجلس شورای ملت نسبت ما بشیر و خوبتر
 سرخ و بیگانه این تصدی را دادیم و این را بدیندگ
 معتبر بود که این شیوه خوبتر شده و بسیار ارزنده بود
 حال آنکه بنوان مدیر عامل این جمعیت خواهی میگویم
 بهمان صورت چهار هزاره که قلاً در کمیسیون بودجه
 تصویب شده بود باقی ماند که موجب کسوفی برای
 دستگاه اجرای فراهم شود

دکتر افتخاری - این بر خلاف آیین نامه است
 چون بنوعی نیز درین آیین نامه گرفته است
دولت - خیال میسوزد چون مجلس را باطل و است

دکتر فراهی - چه شده مصلحت داشته است هر آن آقا
 در کسری پیشنهادتان این را بگوید

دکتر خطیبی - بیس کردیم
دولت - در این استی فراتر شده

دکتر فراهی - شرح زیر خواهد شد
ریاست محترم مجلس شورای ملی

مستزاد پیشنهاد جناب خود ۳۰-۳-۱۶۷۰ بودجه
 وزارت بهاری شرح زیر اصلاح شود :

- ۳۴۵- ۲۵۵۵۲۰۰۰ ریال
- ۳۴۵- ۵۸۰۰۸۲۰۰۰ ریال
- ۳۴۵- ۴۰۰۰۱۹۵۰۰۰ ریال
- ماده ۱۶- ۲۸۱۳۳۵۰۰۰ ریال

دکتر افتخاری - آقای دکتر افتخاری میفرماید
دکتر اعتمادی - تصور میکنم که برای سهولت
 نگاریه اعتبارات مربوط به فوق المادهها و عملها چنین
 باید که این مادهها را با یک انگ ازین قانون جدید استفاده
 چند متکل و میخورد یک مسئله اینکه کمیته مستخدمین
 طبق قانون استخدام جدید باید حقوق و مزایای شان را از

دستگاه امر بگذارد بگیرند در دستگاه امر خود
 در زمان معاصر چه در زمان نادر شاه این بعضی اینکه
 بخواهد دستگاه جعلی انعام بر او تعلق کند که فرض از
 نظر مستخدمه حرمت است متکل دیگر مسئله باز نشستن
 است در قانون عدم استخفاف مستخدمین معتقد از قبله
 حقوق و مزایای درستی سدی هفت و نیم میرواند
 ملازمه قرار میدهند که باین صورت فرض اینکه ماده
 ۱۶ را در همه بگیرد چه ممالک دیگر در دستگاه باز نشستن
 هست از نظر احتساب مزایای مساعیر و کم مأمورین است
 که کتبه هزینه ها بوده وزارت بهاری است
 وزارت بهاری هم خیال میماند بودجه اماسیست توانایی
 پرداخت کند بخواهد در این زمینه باید مابین دولت و
 که بنده پیشنهاد کردیم که این مواد اصلاح شود و در
 که در هر ماهی برامده ۱۶ متر کسری شد بر گردد ماده
 اصلی خود است و در صورت عدم همه دستگاه انعام
 آتیه با این ترتیب بعد جمع بودجه تصدیر عمل میبود
 و به وجه بودجه وزارت بهاری ول اجتناب پرداخت
 که سایر حساب معینه و سازمان قانونی و پرداخت تصور
 میسوزد اگر این باشد به اشتکال شده و چون
 سابق باشد بر خواهد خورد این است که تقاضا میکنم
 این پیشنهاد را مورد موافقت قرار میدهد

دولت - آقا در کجا بیان فرمائید

دکتر کهن - دفتر کمیسیون بودجه اصلاحاتی
 که جناب آقای دکتر افتخاری پیشنهاد کردیم چون در اصل
 رقم تقصیری نسیبه بود چون با ترتیب فعلی آنرا با وجود
 میکند شده با پیشنهاد ایشان که یک پیشنهاد اصلاحی
 است ازین اجرای بودجه چون بشکلی بیبرخورنده
 بنوان دفتر کمیسیون بودجه

دکتر اعتمادی - پیشنهاد را بیکار دیگر خواهند
دولت - پیشنهاد مجدداً فراتر میبورد

دکتر خطیبی - شرح زیر خواهد شد
دکتر فراهی - شرح زیر خواهد شد

دکتر اعتمادی - شرح زیر خواهد شد
دکتر فراهی - شرح زیر خواهد شد

دکتر خطیبی - شرح زیر خواهد شد
دکتر فراهی - شرح زیر خواهد شد

دکتر اعتمادی - شرح زیر خواهد شد
دکتر فراهی - شرح زیر خواهد شد

دکتر خطیبی - شرح زیر خواهد شد
دکتر فراهی - شرح زیر خواهد شد

ماده ۳۰ - ۲۵۵۵۲۰۰۰ ریال
 ماده ۳۰ - ۵۸۰۰۸۲۰۰۰ ریال
 ماده ۳۰ - ۴۰۰۰۱۹۵۰۰۰ ریال
 ماده ۱۶ - ۲۸۱۳۳۵۰۰۰ ریال
دکتر افتخاری - این پیشنهاد منافی نیست ؟
دولت - این پیشنهاد رأی میگیرم خانها و آقایانیکه
 موافقت خواهی میکنم بنام فرماید (اکثر برخاستند)
دکتر فراهی - شرح زیر خواهد شد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دولت - چون فعلاً صورت شده است در مجلس آنچه
 پیشنهاد صورت اصلاحاتی آقا در کمیسیون فرمائید
دکتر مین - چون این اطلاع در دست ما نیست
دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد
دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد
دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد
دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

دکتر مین - این پیشنهاد را میسوزد

اشرف زور خوانده شد

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینماید درتیرماه ۱۰۰۱ میلادی استوارباشی استاد قابل پرداخت توشعهور. دکتر بزاداننده عضو کمال - بنده موافق

ولیس - این پیشنهاد اصلاح عسارتی است معاضرت نیست (۱) اظهار شد اصلاح میشود پیشنهاد مدتی قرائت میشود

اشرف زور خوانده شد

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکند تیرماه زور بلاجه بوجه اضافه خود

تیرماه کاشانه که آخر شهریور سال ۱۳۲۶ کلاه بدهی عالی خود را در باره عوارض سطح تهرصفیه ساینده مشمول پرداخت زیان تیر کرده و جرائم متعلقه نتوانند بود

ولیس - بنده میخواستم سؤال کنم که آیا این مربوط به بوجه است

دکتر الموتی - اجازه فرمائید توضیح بدهم

ولیس - فرمائید

دکتر الموتی - اجازه بدهید سوال کنم دراصل لایحه بوجه چه ضابطه ای گذاشته اند که حالا میفرماید

این پیشنهاد بوجه ای است یا نیست در پلک موردی که از مردم میخواهد بی پولی بگیرد بتفیع یا مؤسسه ای زای بدهد که بوجه ای است ولی در بوردی که پلک پیشنهاد بنفع مردم داده میشود میفرماید بوجه ای نیست چرا حال - رأی ما مجلس است آقایان موافقت فرموده اند رأی بدهید بنده عرض را میکنم از سال ۱۳۲۰ قرار شد پلک عوارض بنسوان عوارض سطح شهر از مردم گرفته شود (دکتر اشرفیابری - هیچ حسابی میرود) بنسبان بپردارهای ملی و خودرید به چه حسابی

میرود این بنا مؤسسه امکانی است بهرحال از آنسال تا هر روزی گذشته بویس منیع شهر لغو میشود و به جای مردم را فرقه ندهند خود من مردم کسانی هستم که این پول را بپرداخت کرده ام اکنون ما این بدهی را دارم و خودمان گرفت از بنده برای چهار سال ۲۵۰۰ تومان عوارض خواستند بنده پرداخت کرده گفتم این عوارض را تا علت اینکه نایب گرامی از مردم گرفته میشود با ۹۳ درصد بهره میبکشد نمیدانم در موردی که مردم میخوانند پیشنهادشان را بفرودنه پرداخت میکنند و از بردان بنده - چرا دادند که مشمول پرداخت ویر کرد میشود (۱) عرض کرده از آنسال تا بحال ناقصا نوشته اند این عوارض سطح شهر لغو میشود طمأحه منتظر این بودم که این قانون لغو شود به این جهت پرداخت نکردم بنده این موضوع با اکثر شرکاء میباشم کرده گفتم اگر بکشید تصویب فرماید و مجلس تصویب میکند در آمد تمام بپردازد زیاد میشود ۶ ماه فرست میدهد میروند پرداخت میکنند این برای یکبار است بولا مردم میگویند که این عوارض قطعی است باید بپردازند و در ظرف ۶ ماه فرست دارند میروند میهند بدون حرج است که ما مردم ابله نداریم بنده خواهان میکنم بخران بنده مردم واقف این را بودند بپردازن تیرماه - نامه میفرماید بگذارید با کف خدمتی بپردازد کرده باقیم و یک حتمی هم بمرود

ولیس - مخالفی با این پیشنهاد هست آقای دکتر جناب آقای دکتر الموتی هر روزی در مردم ببنفع مردم است و هم به نفع شهرداریها هر روزی در مردم را چه میباشند و هم میریزند بنده خودم بشاگرد مردم مرا جمع میکنند و میریزند باقی بنده تصور میکنم باید اینجا گفته شود

این که مربوط بوجه سال ۱۳۲۰ است بضرمانی در میکنیون مردم بوجه ای است که در بوردی که پلک پیشنهاد بنفع مردم داده میشود میفرماید بوجه ای نیست چرا حال - رأی ما مجلس است آقایان موافقت فرموده اند رأی بدهید بنده عرض را میکنم از سال ۱۳۲۰ قرار شد پلک عوارض بنسوان عوارض سطح شهر از مردم گرفته شود (دکتر اشرفیابری - هیچ حسابی میرود) بنسبان بپردارهای ملی و خودرید به چه حسابی

دکتر کمال - این پیشنهاد بوجه ای است یا نیست در موردی که از مردم میخواهد بی پولی بگیرد بتفیع یا مؤسسه ای زای بدهد که بوجه ای است ولی در بوردی که پلک پیشنهاد بنفع مردم داده میشود میفرماید بوجه ای نیست چرا حال - رأی ما مجلس است آقایان موافقت فرموده اند رأی بدهید بنده عرض را میکنم از سال ۱۳۲۰ قرار شد پلک عوارض بنسوان عوارض سطح شهر از مردم گرفته شود (دکتر اشرفیابری - هیچ حسابی میرود) بنسبان بپردارهای ملی و خودرید به چه حسابی

دکتر کمال - این پیشنهاد بوجه ای است یا نیست در موردی که از مردم میخواهد بی پولی بگیرد بتفیع یا مؤسسه ای زای بدهد که بوجه ای است ولی در بوردی که پلک پیشنهاد بنفع مردم داده میشود میفرماید بوجه ای نیست چرا حال - رأی ما مجلس است آقایان موافقت فرموده اند رأی بدهید بنده عرض را میکنم از سال ۱۳۲۰ قرار شد پلک عوارض بنسوان عوارض سطح شهر از مردم گرفته شود (دکتر اشرفیابری - هیچ حسابی میرود) بنسبان بپردارهای ملی و خودرید به چه حسابی

دکتر کمال - این پیشنهاد بوجه ای است یا نیست در موردی که از مردم میخواهد بی پولی بگیرد بتفیع یا مؤسسه ای زای بدهد که بوجه ای است ولی در بوردی که پلک پیشنهاد بنفع مردم داده میشود میفرماید بوجه ای نیست چرا حال - رأی ما مجلس است آقایان موافقت فرموده اند رأی بدهید بنده عرض را میکنم از سال ۱۳۲۰ قرار شد پلک عوارض بنسوان عوارض سطح شهر از مردم گرفته شود (دکتر اشرفیابری - هیچ حسابی میرود) بنسبان بپردارهای ملی و خودرید به چه حسابی

دکتر کمال - این پیشنهاد بوجه ای است یا نیست در موردی که از مردم میخواهد بی پولی بگیرد بتفیع یا مؤسسه ای زای بدهد که بوجه ای است ولی در بوردی که پلک پیشنهاد بنفع مردم داده میشود میفرماید بوجه ای نیست چرا حال - رأی ما مجلس است آقایان موافقت فرموده اند رأی بدهید بنده عرض را میکنم از سال ۱۳۲۰ قرار شد پلک عوارض بنسوان عوارض سطح شهر از مردم گرفته شود (دکتر اشرفیابری - هیچ حسابی میرود) بنسبان بپردارهای ملی و خودرید به چه حسابی

دکتر کمال - این پیشنهاد بوجه ای است یا نیست در موردی که از مردم میخواهد بی پولی بگیرد بتفیع یا مؤسسه ای زای بدهد که بوجه ای است ولی در بوردی که پلک پیشنهاد بنفع مردم داده میشود میفرماید بوجه ای نیست چرا حال - رأی ما مجلس است آقایان موافقت فرموده اند رأی بدهید بنده عرض را میکنم از سال ۱۳۲۰ قرار شد پلک عوارض بنسوان عوارض سطح شهر از مردم گرفته شود (دکتر اشرفیابری - هیچ حسابی میرود) بنسبان بپردارهای ملی و خودرید به چه حسابی

دکتر کمال - این پیشنهاد بوجه ای است یا نیست در موردی که از مردم میخواهد بی پولی بگیرد بتفیع یا مؤسسه ای زای بدهد که بوجه ای است ولی در بوردی که پلک پیشنهاد بنفع مردم داده میشود میفرماید بوجه ای نیست چرا حال - رأی ما مجلس است آقایان موافقت فرموده اند رأی بدهید بنده عرض را میکنم از سال ۱۳۲۰ قرار شد پلک عوارض بنسوان عوارض سطح شهر از مردم گرفته شود (دکتر اشرفیابری - هیچ حسابی میرود) بنسبان بپردارهای ملی و خودرید به چه حسابی

درجه تغییر برود اما چون این پیشنهاد بنفع مردم است تا ما ایضا پیشنهادی که در موردی پیشنهادی که مردم کرده اند بدهد میشود موافقت میکنم بنده شخصاً موافقم - باید آقای رئیس مجلس بگیرند که این پیشنهاد را تری سکندریه با نه

ولیس - نظردوک چیست

دکتر الموتی - امروز ما آقای نخست وزیر و آقای وزیر وراثتی صحبت کرده گفتم بسیار پیشنهاد خوبی است

دکتر اشرفیابری - در گزارش کمیسیون چنین چیزی نیست باید کمیسیون بر کرد

ولیس آقای دکتر سیدی فرمائید

دکتر سیدی (سراون نخست وزیر) - بنده

شهر میکنم چنین چیزی که با آقای دکتر الموتی کرده است کار فرموده چون معنی این عوارض صورت میبندد بود مردم مطمئن نبودند که این قانون اجرا میشود با استیواری همین طبع بود که میخواست این قانون لغو شود و صوماله تفرقه تیرماه اما چون خوب شد از تفریق که قانون شده این فرقی را که هست که باید این عوارض را بپردازند اگر چه ارفقی

مجلس محترم خوب بکنده فکر میکنم منتقلی این است که از اول تا فزاینده صورت قانون در آمد نظردوک قابل قبول است و بالا درمویسکه قانون بوجه اگر بریم به این پیشنهاد بنظر بنده پلک اصلاح میشود نیست این تفریق کانی است که بدهی خودشان را با بدهی دولت بجهه تفریق نداشته اند باین تفریق تا تفریقی که آن قانون بنده فکر میکنم قابل قبول باشد

خواجیه نوری - بنده فکر میکنم چون قابل تحکیم

ابست - رأی بگیرم میکنم است تمام شهرداری

ولیس - آقای دکتر اشرفیابری فرمائید

دکتر اشرفیابری - بنده نظر آقای دکتر سیدی را تأیید میکنم که دکتر دادند که این بیان تفریق قانون را تمام شده تصویب است که مجلسی داده شده

چگونگی آن - این است که در بوردی کمیسیون و یک طلب بنده ای

از کمیسیون برگردو (۱) عدمی از ساینده گان - رأی - رأی اخلاق آن بنامه آقای مجلس است اگر رأی بگیرد

ولیس - آقای دکتر من موافقت فرمائید

دکتر مبین - بنده چون پیشنهادی که نظر در بین است

مخواسم جو حاصل آقای دکتر اشرفیابری - این بر من کم که در لایحه بودیم تا در هر مجلس داده میشود و بجهه عنوان اینک پیشنهاد داده شده بوجه کمیسیون بر نمیگردد (دکتر اشرفیابری - اگر پیشنهاد بوجه ای باشد از نظر اینکه بدهی است یا نیست تصمیم ما مقام ریاست است اگر قابل طرح دانسته و رأی گرفته میشود

اگر قابل طرح دانسته و رأی گرفته میشود در صورت کمیسیون نیست اینجا باید تصمیم گرفت چون تصمیم فرود است و موجب صورت بوجه شهرداریها است و تقویت شهرداریها منافع موجب تقویت دولت را هم فراهم میکند طوی غیر مستقیم چون عوارض شهرداری دولت براهه نگیرد درآمد دولت امانت میشود و از کسی که به شهرداریها میکند کم میشود بنسبانی بگویم کل کمیسیون در باره کل کمیسیون دولت است یعنی دولت سلسله کل خواهد شد

میکم که اگر مقام ریاست تصمیم میدهد که قابل طرح است رأی بگیرد

ولیس - اصل اشکال اینست که بوجه ای هست یا نیست خیال میکنم خود آقای دکتر الموتی هم اعتدق کنند که بوجه ای نیست از طرف دیگر میدانم که خانها و آقایان هم به این موضوع علاقه مند در صورت تیرماه بوجه ای نیست تمام موضوع اینست که قابل طرح باشد باینکه آقای دکتر نگاهت بیانی قول میدهند که این موضوع را مطالعه کنید

دکتر کتانه اوزیر فرماید - بنده با کمال اقتدار

عرض میکنم این موضوع را مطالعه میکنم و نتیجه را بر من مجلس فرمائید

ولیس - پس خواهش میکنم که قول آقای دکتر

بگانه را قبول فرمائید که تفریق برای اینکه بدهد که اشتباهی کل فرزند صحیح حل شود - پیشنهاد بدهی قرائت میشود

دکتر کتانه اوزیر فرماید - بنده با کمال اقتدار عرض میکنم این موضوع را مطالعه میکنم و نتیجه را بر من مجلس فرمائید

ولیس - پس خواهش میکنم که قول آقای دکتر بگانه را قبول فرمائید که تفریق برای اینکه بدهد که اشتباهی کل فرزند صحیح حل شود - پیشنهاد بدهی قرائت میشود

دکتر کتانه اوزیر فرماید - بنده با کمال اقتدار عرض میکنم این موضوع را مطالعه میکنم و نتیجه را بر من مجلس فرمائید

شرح بر خواه شد
ریاست محترم مجلس شورای ملی
پیشنهاد میشود نمره ۱ زیر به علاوه بوجه کل کشور اضافه شود.
تقصیر - وزارت دارائی اجازه داده میشود مابه التفاوت در دیانت خانات و کشتی را کیشموسر که عالی انتظامی خانات رسیده از محل صرفه جوئیهای بوجه وزارت دادگستری از اول سال ۱۳۲۶ پرداخت نماید.
خواجگ جری - شیخ الاسلام - صادق احمدی - یرشکی
وکلی - پیشنهاد دیگری شبیه همین پیشنهادها که فراتر نمیشود
(شرح زیر خوانده شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی
پیشنهاد بنامد نمره ۲ زیر به علاوه بوجه سال ۱۳۲۶ اضافه شود - وزارت دارائی اجازه داده میشود مابه التفاوت در دیانت خانات کشتی را که کیشموسر و ذاکه انتظامی رسیده است از اول سال ۱۳۲۶ از محل صرفه جوئیهای دولت پرداخت نماید.
پانفتمین مرام - دکتر جفری - دکتر اسفندیاری
وکلی - آیا این پیشنهاد خرج نیست؟ آقای دکتر جفری با آقای صادق احمدی کلامیک از آقایان توضیح میفرمایند.
دکتر جفری - آقای صادق احمدی توضیح میفرمایند.
مصدق احمدی - عرض کنم در پیشنهاد پیشنهاد شد از محل صرفه جوئی بنامد البته تنگور میکنم از محل سترم جنبه آقای شیخ الاسلام که خیلی حجت کرده و کار میکنم این پیشنهاد خرج نیست مابین دلیل که عرض میکنم محل صرفه جوئیها متناسبه با سطحی است که پیشنهاد کلامی در عمل باید فراهم میکند به این مبنی که

سازمان "لذت مستغرقان" را به عنوان من و ریاست جبهه برای کمر بر این کار خود خوش خمتی صرفه جوئی میکنند خرجی لازم از وزارت اقتصاد میکنند و جویبار را میگیرند از خراسان میگویند یک یونسازاری باید به آنها داده میشود و متذکر از موسوجه بر کرده به بخانه بعضی وقتها هست که خبر این محل صرفه جوئیها و در خراسان برای اینکه برنگردد بخانه خرجی از محل میکنند و همچنین نامی این محل صرفه جوئی در تمام دستگاه که معاهده کنید بطور نامطلوبی در بیاید ما گفتیم اینکه شما بر سر کار نباید به خزانه که قلا آمده است در بوجه بلد دستگاه یا اینکه خرجی از راهی را بر سر تریاند این را بدهد مات و متعاضد. خدایتعالیه مثل دستگاهی دیگر کرده میگیرند مشکلات فرارانی برای رفته گرفتار شدن باید در اصل را طری که حاکمه انتظامی مرام به با وضاحت میکند مضافات خدایتعالیه میخواند بشرح تفصیل در تاریخ که به جهت یک گفتی با این همه گرفتاری تازه وقتی هم رفته گرفتاری است ۶ تا ۷ سال باید سر که مطلب دیگری که باید عرض کنم این است شما در عمل باید بیشتر از حد میکنند میگویند چون تا رفته اند و برتری را نمیتوانید بهم حق ظفر را میدهم تا بد عیب بنشیند مگر سخرای است کسی که رفته گرفت باید حقوق را بگیرد یک فرمانیه غلطی است بنده پیشنهاد میکنم که از محل صرفه جوئیها دامودود حیوفت پیشنهاد خرج نیست چون تمیل بود بوجه دولت نیست اگر تعمیر بود بوجه دولت بود ظنه اش این است که پیشنهاد خرج بنامد میخواند بگردد و این تعمیر در دستگاه دولت نیست پیشنهاد خرج هم نیست بنده پیشنهاد میکنم توجه فرمایند.
مهندس صالحی - دولت رتبه همه کارمندان را میدهد.
وکلی - آقای دکتر مجیدی فرمایند.
دکتر مجیدی (امروز نخست زبیر) - با تأیید این مطلب که احتیاجات بوجهی از وزارت دادگستری

بیشتر از آن چیزی است که در بوجه منظور کردیم برای اینکه هر آن زحمات و فداکاریهای شما در این راه ختم نشود و باید بیشتر از اینها منظور کردیم چنان کسی فعل از اینکه بوجه تشکیل شود با آقای وزیر دادگستری داشتیم و احتیاجات دقیقاً برسد کسی عند مسأله ملت وضع مالی دولت اینکه دولت امر را داشت بوجه متمایل تنظیم بکنند فرست و این معاونت حاصل شد در بوجه آنچه که لازم است منظور شود ولی با توجه به اینکه ما الان یک میلیارد و ۶۶۵ میلیون ریال از بوجه اربابستی خرج کنیم یعنی صرفه جوئی بوجه از ما مسوزی که مجلس نفیوت میدهد کمر کرده لایماً اینکه اصولاً صرفه جوئی در بیایمان حاصل میشود باید سر کسب که ۶ ماه از سال بگذرد که بنشیند زمینه تعمیراتی بوجهی جهت درآمد و هزینه ما چیست و با بنشیند که دولت تا بنده امکان صرفه جوئی دارد بنده اولیست از جناب آقای صادق احمدی و از جناب آقای دکتر جفری خواهش کنم که این پیشنهادها که اصولاً میگویند بوجهی صرفه جوئی در بوجهی که بنشیند مطرح فرمایند فراموش است که زمینه اجرای بوجه فراموش است دولت این عهد را قبول میکند یا اینکه بویتری میباید در نامه اول سلام این درخواست نتواند اثری داشته باشد چون ظنن صرفه جوئیها است در بوجه ششم بوجه مطرح فرمایند.
وکلی - بهین ترتیبی که گفته شد بنده خیال میکنم صحیح تر باشد.
شیخ الاسلامی - پیشنهاد خرج نیست و تمهیل به بوجه هم نیست.
وکلی - پیشنهاد خرج است تصور فرمایند که صرفه جوئی را هم اگر بخوانند خرج کند خرج است پول زائدی نیست.
مهندس گامگار - مهندس کتوزاری را هم باید در نظر بگیرند.
شیخ الاسلامی - بنده با آقای نصرت زبیر محبت

کردم موافقت کردند آقای وزیر دارائی هم موافقت کردند و معارضه در خرج نیست
وکلی - حق ندارد در صرفه جوئیها خرج کنند.
دکتر اسفندیاری - طبق قانون در احتیاجات است حق ندارد خرج کنند.
وکلی - ملاحظه فرماید پیشنهادی نظر این پیشنهاد ریاست است برای استان دانشگاه و دانشگاه تهران بنده هم این پیشنهاد بوجه پیشنهاد آقای موسوی ما کافی که جامع و سیران و استان و دانشگاه آن است که بنده خودم هم چراغها هستم و بنشینم این پیشنهاد خرج معاملاً بطور فرماید خراجت شود.
(شرح زیر خوانده شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی
محترماً پیشنهاد میشود که شرح زیر به آخر تریست
۱- پیشنهاد که بنده تریغ استقامتی است و ایران و دانشگاه تهران و استان دانشگاهی تریست است نیز داده شود که از محل صرفه جوئی خود دانشگاهها قابل پرداخت خواهد بود.
موسوی ما کوئی - کنگرولو - دکتر شیراز - دکتر اسامی - کوهان شاهی
وکلی - ملاحظه فرماید اینها همستان از این قبلیات حاضران که گفته در ششم بوجه فکری برای اینها میشود پیشنهاد بعدی خراجت میشود.
(شرح زیر خوانده شد)
مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
برای توسعه و کمک به بوجه آموزشی در حرفه های کمبود تجربه زبیرا پیشنهاد میسازد:
تقصیر - دولت مفت است از تاریخ تصویب بوجه سال ۱۳۲۶ قایم معلمان و احمای منظور دیوسل موازی ششلی از امجا بن منابع برای کمک به بوجه تعلیمات

هم حرفه ای باشد. انحصار زده ای هم مضر است
 معنی پیشنه زده بود. باقیمانده مخرامه - معادلی
 رقیس - این پیشنه در پیشنه بودجه ای نیست
 البته خود موضوع و مقادیر را ملاحظه است آقای دکتر
 یگانه پیشنه در معتمدی را توجه فرموده خیال
 میکنم اگر صورت یک طرح بدهد بهتر است
دکتر یگانه (زیر سؤال) - بنده هم همین عقیده
 دارم بعد که آن ترس میشود
معتمدی - با بعدی امکان دارد بدهم از برای این
 امر هم تقریبی داده میشود
 رقیس - پیشنه مدعی قرائت میشود

(شرح زیر خوانده شد)

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میسازد تصرف زیر به بودجه سال ۱۳۲۶
 تقدیمی دولت افزوده شود.

تصرف - دولت مکلف است باقی مانده سهام کارخانه
 نقد کرد سهامی هشتاد هشتاد را که هم اکنون
 بیش از ۶۰٪ سرمایه آن متعلق بمانند اعتبارات متسی
 است وسیله بانک مذکور خریداری و بدین ترتیب بانک
 اعتبارات متسی جانشین شرکت سهامی کارخانجات تولیدی
 هکتان قرار گیرد.

با تقدیم احترام - بالاخانلو

رقیس - اینهم بودجه ای نیست و پیشنهاد داخل است
بالاخانلو - جناب آقای رئیس پیشنهاد خرج نیست
 اجازه فرمائید توضیح بدهم.
 رقیس - فرمائید.

بالاخانلو - جلوی یک نماینده گان محترم استظهار
 دارند در مورد تشکیل مجلس در دوره ۲۱ بنده عرضی
 بیرون کارخانه نقد بخرم رساندم خوشفشانه دولت
 نه چه کرد دروغ این مشکل شد و تریب اینطور بود که
 بانک اعتبارات متسی ۶ میلیون تومان تمام کارخانه را
 سرمایه گزاری کرد و سهام کارخانه شد ۲۰٪ و ۴۰٪
 چون قبل از این ما محارم ۶۰ میلیون تومان داده بود

دو بار و هجدهمین بار آمد هرگز حرفه ای وزارت کار و
 امور خاندان و جمعاً و عراً شد آمد بعد بود بود وزارت
 کار و امور خاندان منظور شود.
صائب - آقای حاکم فرمائید.
رقیس - نظر دولت چیست؟
دکتر میسای (معاون نخست وزیر آ - دولت موافق
 است)

خواه عمو نوری - بانک مرتبه دیگر قرائت فرمائید
 رقیس - پیشنهاد قرائت میشود

(شرح سابق خوانده شد)

رقیس - نسبت به این پیشنهادهای میکریبی خاندانها
 و آقایان به موافقت خواهش میکنم قیام فرمائید اکثر
 فرخواستند (صورت تکلیفات آخر را مستطرح است آقای
 رحمان فرد تریب باز یزد.

فصلنامه قزو - با اجازه مقام معظم ریاست مجلس
 شورای ملی و هکتان مختصری پارامانی مثل اینکه در این
 مورد نیز مثل سایر موارد به اصطلاح عوام کلاه سر نه
 رفته است نسبتاً محبت من وقتی رسیده که جز چند
 نفره آقایان وزرا و شخص آقای نصرت وزیر
 تشریف ندادند تا در برابر مزاحی که میدهم مدغم
 اوقات آقایان بشوم **لاش** در جواب آقای نصرت وزیر
 و آقایان وزرا و سایر مسئولین یک وعده های دلخوش
 کنی میگویند و آنها یکی در این مسائل متشد
 داده میشود چون آنوقتیکه اسم نوسی میگرد از بنده
 پرسیدند که در چه دروغی صحبت میکنی من طبق معمول
 که همیشه در دروغ آخرم محسوس بشوم گفتم نویسد
 در بیان آخر کارهای آخر بنی چیزی نیست اینکه آنوقت
 بزمی می آیند و جواب میدهند بنده وقتی نویسد که
 هیچیک از مسئولین و وزرا در تشریف دارند و معجواب
 فرهای من مرا خواهند داد پس تلطون بشی هیچ بیستی
 شس میخوانم بهر حال این اشرف را بکنم که من وقتی
 میخواستم اسم نوسی بکنم باید برای اولین بار چو که
 احساس دولتی و تردید کرده که آیا این دولت مخالفت
 بکنم یا موافقت اضافی باید داد مواردی بود که
 من بخودم حق میادم گویا اینکه حق حزب ایران نوین

نست - عضو حزب مردم پیشنه. عضو هیچ حزبی هم نیست
 اما مؤید دولت میباشی برای اینکه دولت را میبینی. اقداماتی
 را میبینی که همگسگرت نشیون شد (آفرین) اعتقاد کنده داریم
 لجاجت و عداوت و سیاست صحیح نیست من وقتی میشود در
 آذربایجان شرقی یک اقدامات و بزرگ کارها یک بار بنده ای
 اسباب که عجز از رویاها هر چه در منصف است از برای من بودم اکنون
 در آذربایجان داده ای یاد میباشند و در این دولت نصرت زده ای
 شاهنشاهی نام میگویند که در روزهای میکریبی که پیشینه
 و میباشند (آفرین) همین لحظه خود او در روزنامه گفته
 بود وزارت دارایی در ششماه اول اسما شد شش میلیون
 نسبت سال قبل اضافه بماندی داشته است این وقتی است
 که ملاقات و وقت نوشتن من امروز خواسته حالا
 نسبتاً ناچهاره اسما صحیح است با نسبت شش میلیون
 تومان در آمد اضافه از قبل داشته است در شش ماهه
 اول اسما (بروزی) - شش میلیون رسال است) بنده
 شش میلیون عرض کردم حال اینکه ما میباشیم با تومان
 اینکارها و توفیقات عظیم ملی که در همین یکسال اخیر
 صب دولت شده است مثل قرارداد آب نو، آب پرتویسی
 با لاف از همه انتضاد یک سیاست مستقل ملی خوب همه
 اینها من حق میبندم که من در تریب دولت حرف بزنم و
 اگر در تریب دولت حرف زده از مایه خرج بکنم که به
 حیثیتش لافه بشود پیش موکلین سر افکنده نام و
 بلاخره فکر بکنم که من خودم چند ماه است بیلا کار کرد
 این دولت - در حوزه انتضاد بیکه آقایان در روزنامه
 خودم میگویند منکتی با این تفاوت که اگر مؤید
 و موافق دولت بود آن چیز جایزه منکتی میگرد
 روزنامه خودم بصورت ریزه تریب پول میگردد پولش
 از دولت میگردد. حالا فقط پول نسبگیرم ولی لا اقل
 بسط اقدامات دولت که هتم و هر هفته یک مهنه از
 بیلا کار کرد دولت در حوزه انتضاد بیکه آقایان که
 با اصنام خود آقایان رسیده - در این روزنامه منتشر میشود
 بیباید این بولتن و نشریه نیست که بگویند دولت مدعی

بعد اسما رسیده است. اسما شش ماه از زمان هر روزی
 ۲ میلیون تومان خرج بلدانه کرده است ۲ سال کارخانه
 خواهد بود این چه است ۱۶ میلیون تومان بهره حساب
 صاحب سهام که شش ماه بعد درآمد ۶ میلیون تومان
 را در کارخانه را تمام کرد برین معنی که اداره کارخانه
 بموده بانک اعتبارات متسی تمام حالا اگر میخواهم همین
 ترتیب باشد برای ۲ میلیون تومان حساب بهره میگرد
 میچواید این بهره و اعتبارات متسی که میشود چه برسد
 که بهره برسد به صاحبان سهام حالا که دولت کارخانه نقد
 خریدم است و هر یک از این کارخانجات هم ۷۰ میلیون
 تومان پروژه و طرح دارد این کارخانه هم بیش از ۷۰
 میلیون ششصد میلیون تومان مردم را بدهد که کارخانه
 بشود ۶ میلیون تومان این ترتیب اگر بنا باشد بگویند
 که اینطور نیست و همین ترتیب باید پس دولت چرا
 واحد کارخانه نقد خریدیم این پیشنهاد و پیشنهاد خروج
 نیست بانک اعتبارات متسی ۶ میلیون تومان بقیه سهامها
 میگرد جزء سرمایه بانک است خرج نیست
رقیس - آقای بالاخانلو اگر اجازه فرمائید این
 پیشنهاد را جهت اقدام متسی برای اول وزارت معترضه که
 مطالعه بشود پیشنه مدعی قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی

وزارت کشاورزی و مملکت است از محل صرفه جویی
 سال ۱۳۲۶ به اعتبارات بانک ریاست متسی به نفع کشتورزی
 و سایر وزارت - مهندس کادانگر
رقیس - اینهم عیناً مثل پیشنهاد های قبلی است
 انتضاد دولت من میکند که دره استحقاق مستخدمین
 را بدهد که آقایان مجبور شوند چنین پیشنهادهای بدهند
 پیشنهاد مدعی قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

ریاست مختصر مجلس شورای ملی

پیشنهاد میسازد جزایم حاصله از اجرای ماده ۱۰

تند شده شد و اول از طرح این کار در روز هفتم
شهرستان ششمی بر یک آفران و هفدهم در وقت ششگانه
در جوار آبشار به این کار هفتاد و شش نفر در خدمت
روانها از روز آفران به این کار هفتاد و شش نفر در خدمت
تعمیر نمود اینها را مناسبت کرده خوب آدمی که
نیاید هر هفته مؤید دولت میشود پس چگونه مخالف
دولت میشود چگونه بعضی مخالفت میکند مدعو در دیگر
از افرادی که اگر بخوانیم تعدادم که بحق میباشند
شمرده میشود و از وسایط و نصرت وزیر مملکت چند لقمه
پیش باید ساقم پیش بش غارتی گفتند من نمیباشد
ایشان بظن احسان بخیر کردند از افرادی آن عبارت
ولی من بنام یک ایرانی احسان بخیر کردم امروز آرز
مملکت ایران یعنی مالک در دست است اینها از تیر
پور و دولت است (سبحان الله) خوی این که خیلی چیزها
سست است... خیلی چیزها سست است خیلی چیزها و
المشتران طاعتی مگر میشود ابراهیم کرد همین
هفته پیش بود که منتظر به سرتون چند هفته است
تر کجایی خونی که ششاد در ایران تشکیل داده اند
حتی گفته اند که دانسته اند میروند سرود بحث فرار
گرفته و سرود تبلیغی را تالیف فراد کرده من میخواهم مگر
کم پیش کیل خورشید باطل ملاح و نیکه ملاح کیل خوب
و کیلی است که میباید باطل را داشته باشد ایرانیان
نام مرا چه کنند که صاحب درد هستند اما باید با
زمان جلو برویم باید بدانش بیواتی همه مردم را متوجه
بکنیم روشن بکنیم که با دو سال پیش بازمیاداد است
گوشه میرفت کثافتها چهار دو باره تو تان امروزها
بازار سیاه برای گوشه تعدادی امروز من بشما اطمینان
میدهم ملاحین مسئله پرتال من میدان یک تومان
خیابان پول است برای کارگری که هفت هشت تومان پول
میگردد اما این پرتال به ۲۵ ریال میرسد و سن
المطمینان میدهم نزدیک یک بهمان قیمت که هست باشد
بافرین فرمائید این چشم من خوب شده است و دسترس

عده من میباشم هفت خان ملاکان... بان را طلوری
میرد که از دست آدم میوزد این بنا حدودی تغییر
دولت هست از حدت را بهمین ندانین کار کهای ناملی
که امروز هر ی اطیخون کن... و دانسته و خواجهها
هر فرار گرفته و تغییر دولت کاری میکند از اینکه
بزرگوزن شیطنت مدعیان عکس میدهد بملوردی
که حالا یادآور میشود مسئله شر کهای خرف است
شر کهای صرف وقتی که خلایق مرفق است برای
کارندان حقوق ماضی قدر که ابراز اثر هر کوب حقوق
کمر کی نتوانیم دادند اما اگر قوتی آراییم کرد
وضع میرود و حقوق کمر کرم نسکند به این یک نالی
است به ابرار شر کهای خرافی که بکود دوستمان هست
ولی علاطی خستاید این اوج به بر ما بد که
شر کهای صرف با قوتی آن داشته باشند باطلی
که قوتی آراییم میکنند حقوق کمر کی دولت بزرگه
ملاحظات مثبت فوق العاده است و آنچنان ملاحظاتی داریم
که هر چیزی گفته شود کم است بگفت بود که
مملکت خیلی چیزها برای خیلی با بگه برای هر کس
فتنای تیر چیزها آرزودیم ملاح تیر مردم تیریز که یک
استان است مگر سالها و منشا مکتبه میکند در تمامی
یک دبیرستان میگردند آقدر داده نیستند تا اتفاق اگر
توفیق تأسیس یک دبیرستان در نیاستداری یک جاسم
اتفاق ملاحظاتی در همه میدادند و آنرا بنام خاک بوقت
میکردند... مهندس کاشنگر... ما مدتها است تمامی یک
دبیرستان دخترانه برای غرور کورستان میتوان
و حرفان بجای نرسید (حرفها را باید گفت تا بتوان
نواص را گفت اگر حرفها را نگوییم آن معنا است
که واقعا صد داریم که مردم را در... جمل و میخوری
بگذاریم و این مدح نیست ملاح اینجا عرض میکنم ما
نه نظر همکار پارلمانی از شهر تیریز داریم یک وقت بود
که تیریز بنا به آب داشت تیریز شهر دوم پایتختان
بناز به دبیرستان دوازده کلاس داشت تیریز احتیاج به

جند دبیرستان چند نفر بخوابی داشت امروز در آفران بجان
یک صد آدمی با ششده خانم جناب آقای حق شناس خانم
چندر حمیت دارد (حق شناس... همراهِ دوستان سفر)
ضمعرا از دو بخت غری خانم که روزی میان بدنامتانی
میکردند که یک راه ملازمو خوب میخوانی میشنیدند که
نشد و آفران اربابان نیامور و در روزهای اول کیل میباشند
در منزل و والی میباشند از همی روز خراب فرمائید
تیریز بیست هشتاد خانم کلان دوازده پسرانه دارد کلان
دوازده دخترانه دارد نظری دارد پسر یک صد سه
هزار و هشتاد و نهمی در این شهر است و این شهر را
بیکبار... لویه کشی دارد در در و در و در و در و در
دارد که مستوی جلال تحصیل کرده اینها خرافی است
که هست و در میاید و بشود و بر سر کمر با بر شامه که
نصت و نظری شایسته و شسته شده دقیقاً در تمام طما
مناطق اجزاء شده و خواهد شد این ملاحظاتی و نظری از نظر
من گفتند همه شما با هم میباشید و در روزهای بعد
رومیصلی این است که موزان با چشمی زیندو... موافق
بیاید و ا که سینه آفران که میباید... آسرا که میشود
مشافه نیگورم در این مجلس سخن گفته شده این
است که آفران که سینه میگردد اگر در وقت صحبت یک کار
خلاق دماغ آفران دبیرگری در چون این یک نظری است دولت
نست بدولی که میخواهد خدمت بکند و چون من مردم
آفران باشند اینجا وصف دولت کرده خود من در این
موردی که گفتیم با آقایان ما حکایتی داده لنا با علم
باینکه بلین چیزها مستقیم بطلم باینکه با بیاتک اینجا
نظرم اجازه بدهید چیزها یک با بیاتک برای
امکانها با یواست که مدت خدمت توفیق اعوام
آن بر ما شده شده است آنها را هم من بنام مخالف
عرض کنم من از طرفی که قبه خلمه گفت قبه خلمه
قبه نه وقت است مثل دبروز یک فتوال را در کس نشین

هر کار که اینجا نیست صاحب اینجا نیست همه جای آفران بجان
ببیر از یک منطقه صد هفتاد هزار فری بر همه تیریز آفران
تند امروز هسته بر همه تیریز ۲۱۷ میلیاردی
که مقدمه مسلط کرده باشد... اگر بنا است من اقدامات
شدت دولت را ببنی خرج آن ۲۱۷ میلیارد
را بیاییم اینجا بخوانیم مسلم از امروز تا
آخر سال وقت میخواهد بخرای این مملکت میخواهد
۲۱۷ میلیارد خرج کند که نمیتوانیم بگوییم خرج
نشد اگر کاهی اشراش میخوانیم منظور آنستکه آن خرج
بنا خرج نشده باشد اینکه خرج کرده نشد تا ممکن
شد تومان با همه بر شامه که برون لای سفر شده
میرد لای سفر ششایر و کشت تحویل محلی اما
شما معکوسه در این بخش ظنی هر چه که کردیم خواهی
بکار لای سفر که در تمام ملاحظاتی در این کولان
سرا که تمام لای سفر مورد نیاز تمام مورد نیاز ما به
در آفران این که تمام چقدر شده شد... هر چه
آفران این که در وقت باطله و سبب بیاید هر چه در این
این منطقه زرخیز اگر در آفران در چند صد نفر در این
زرخیز تیریز و سالیکی از نفلان زرخیز تر است این
محل مدعو در دو هزار نفر جمعیت دارد در دوره انقلاب
تصد نشین این حرف برای مستقیم به انقلاب سنگین
استاندار اینها نیست اما باقی طوری سنگین و باقی
اینجا بزرگو می شود اول آن از گفتار خودم در میدان
بوزد بخسوس ارباباً شده و فاراد بزرگ منطقه مدعو در
حزار غری شده و نام دارد پسرانی سالی ششده
از بیاط بکرم مدعو در حزار غری لای این قطع است
فرهنگ مطلقاً تعدادی نکرار میکند با نام تبلیغ
هنوز کلان مدارس در طول با مدرسه که در بعضی از استانهای
مغربوه تشکیل میشود بنا از بودجه ۱۶ میلیارد این
بودجه ۱۶۷۰ میلیارد برای یک منطقه ۱۲۰ هزار نفری
بنداری بودجه عمرانی نریختن با بدی حال مسترد در
ناردر ما قسم میخوریم که هر وقت آدمی پشت تریسون

مجلس عرفی ای گنده گنده زبیر حرمی فری برتیم گمری
 مردود و سوزنده دایندد اگر نو استیم هفد هفد است
 ایند عنوان کیم و ارگرد نو است بد این مطالب
 رسیدگی کند ما دین انقلابیان را انعام داده ام و هم
 دولت و نظمه همدان را انعام داده و هنتر و ده نادر
 قزو می کنید که اینها نطق خودمانیاه و نادر همدانی
 نادر هیک بل از ساموئیل و دولت حاضر نیستند بیرون
 آبیام حق یا نیست برای اینکه ما بی زنده گی قطع رابطه
 کنند عرض کنم خودتان ایضا که اکتس حقایق است و
 هنتر و هیچ چیز نادر و خلاصه فرهنگ نادر و نادر و حالا
 کم است فرهنگ ناملوا فرهنگ امرت و وسیع
 آذربایجان بیامه فرهنگ آذربایجان ناست ایضا
 بی خودی زبان ملیتی هر کس است و دیگر کس خودی
 نستان آردی نستان نستان نستان نستان نستان نستان
 ترک - عربی - ارمنی - و زبان روسی سلکت
 فارسی است آذربایجان آرزومند است که فرهنگ روسی
 سلکت آشنای پیدا کند در هر خانه آذربایجان کیم
 خلق قرآن می خدند اما کیم خلق روسی هم
 هست فرهنگ آذربایجان هم مرز است فرهنگ
 تبریز نسیه امروز نادر فرهنگ نهران فرهنگ
 دردی شتم قران گرفته است حال منگله جیستی را در
 نظر نگریده همه جای ایران ای من است حساب کند
 سخت عالی سلکت یازهای خودمان را ما نسیه
 بگویم هم مرز در مرز آذربایجان است ما نسیه
 بگویم بیانی مجلس ما زبان آردی است ما نسیه
 بودیم ای در باضابطه وقت بیشتر کنیدا انقلابی
 آید کنید آمدیم ما را در دویف شتم قران داده
 آذربایجان ۳۷/۵ میلیون خودمانی گویا بوجه فرهنگ
 ۱۲/۵ میلیارد است توجه آقابان را بوجه مکتب به
 ۱۲/۵ فرهنگ فرهنگ آذربایجان به اندازه یک سلطه
 نهران سلطه نهران آید بیانی نهران بیانی نهران
 نهران چند بودجه می کند بد برای نستان نهران

مصدومی نمن در این زمان از نظرم در حمت در حمت نظیر مایه
 شایع است من در این باره صحبت خواهم کرد راه خان
 مرض شند که چنین نظیری می کنند مرض سینه
 کشته از درد فراموش می کنند مفعولات و همدان
 انگار است اولتد عرض شد سابق بر این یک نامند می
 بود چرا بدلیل اینکه یک نامند می آمد بود فرهنگ
 ناس می رفت در یک منطقه در یک جا و در عروسه ساز
 می کرد سابق بر این یک نامند می بود آنچه فرما شد
 از خود است بلکه یکی رابع باین دوره مجلس حرف
 ز شو می لای اول این حرف الاقل من نایم من کس حری
 نیست که ایند انتخاب می شود و ایند بنی بر من و در هر سولت
 حمت نظیر می گویم که ایند که در مسائل نسیه
 مسائل حمت و حوزیم حمت یک نامند می
 در دوره دورتر ایند که در دوره و کاشکی می ناست
 برود من طمور و ایند ای که می کند در حمت و در ک
 کیم در امور و ایند حمت نظیر و این سینه نظیر
 ما مومر من سینه اولی مکتب و در دوره دورتر ایند
 آرزو نسیه حمت و حمت و حمت و حمت و حمت و حمت
 دس کارایی طمور این است نسیه دکر اقتصاد
 است نسیه که با کلمات است نسیه اولی نکل
 است نسیه نسیه نسیه نسیه نسیه نسیه نسیه نسیه
 کرات ، همه حمت نظیر و نسیه و نسیه و نسیه و نسیه
 دسکی هم در آمدن می حمت نسیه نسیه نسیه نسیه نسیه
 مرت می یک از ایند که در آن سینه دسیه داخل
 می کنند من احسان غرور که در این باب ملاحظه می کردی یک
 بیزره همه کرد می آمد در اختیار ما گفت حمت من
 برای همدانی همال این منطقه این طرح را در نسیه
 اگر چیزی هست که ایند نسیه و فراموش شده است
 یاد آردی کیم اطلاعات نامحکم است نسیه باشد بطوره
 شعا باشد در آید و آن که از اینک سینه طلب
 است در بیست و پنج طرح را بگریه دهم کرد
 است بودجه برای یاده کردن این نسیه بود و فرما
 مرد نای نسیه نسیه که بیاید نسیه نسیه نسیه نسیه
 یزدانی از نسیه نسیه که میجه برای آفرین نسیه یک

کردند و در خلال ششمین صند تر از این است. هر لحظه و به منظوریکه آن ستون از انحصار مبرور و اینها موهناح ازش میگفته هنوز بیخ و بهره ها هستند وای ویرانوار در روزهای از انحصار مبرور مصادی آری میستویبر این دوستان سرخران خورده است با یک تکلان مضطر فرد ریخته میشود خرجه اول را وارد کرده اند خرجه اول را در ۱۹۹۹ وارد کرده اند خرجه آخر در ششمین صند وارد شده و بزرگترین خرجه هم هستند هر دو طایفه هستند (صحیح است) این مجلس منفی نیست! ما از نظری ضعیف است این مجلس آجیشان ضعیف است کنایه بگویم کتبله من میخواهم فرد همی شویم چونکه برای آمرکنان است یک فرودا میزنیم و بیایم مجلس بود! اینکه اگر نرفتند کیل شده من میخواهم بگویم کتبله گفته شده اینطور بود و کتبله اگر نمی توانی تومان منتقم میکند من تومان دوربال استقامتور باله این مقام است و هر حال یک چنین غزوی بود استقامتور استقامت است و بیاید امروز چنین غزوی کنیم شاید گاهی میگوید حکمران نوعی من نیست من مردم من نعمت همه حرفهای بدی را هم بچنان حرفهای بد چون آفند محبت کرده اند که هر قدر هم تلاقیر باشد من به معاذکرم اینها میگویند که ما چکی مطالعه میکنیم میگویند که ای بسا میوه چهل تا لایحه را وقتی که جناب خواهم روزی بنده میشود بد همه بنده میشود اما اگر آن حرفهای که در باره این لایحه زده میشود از سوز دل ناشی میشود میخوانند از آن براهی که در مجلس گذشته میشود و حق که لایحه به مجلس میآید در مخالفت و موافقت حسابی نباید من گویند خوب بزرگی نیستند من نیگویی مدرسه صدق است ولی بهر حال فرمول شاعرش صحیح است ویرود هر لایحه ای که به مجلس من آمد سبک و سنگین میشود آقای وفتی اینطور میزند داخل منمیر به بر بیرون زد! این قیمت داشت بیایه بهشتان! خوب بنشینید بیایید بنشینید که فلان زارع دارای چند هکتار زمین است فلان تعداد در آمد فلان داشتهای منمیر بهای فلان نیست اینها چندصد دلار کمک از آمریکاییها میخواستند

حسنت کند شوشری را که هر بار او را تعجبید ایشان گفته اتفاقاً یک سنتی هم ما را داریم گفته در بد سواران من بودیم است و گیزد بگر خود هم راهم من خود سید محمد علی شوشری منمیر ما خود را موافقاً میگویم که ما من بودیم از خود طوایر بود البته خوب کینه بودولی از خود کینه جلوتر بودیم من که طوایر و قبیله مقصد سید میرزا شایسته هم راهم من خود سید ما از هر راه می رسید که آن مشتائیکه آمد جواز کوی بود! گویا کرد و غایب بود ما بایشان نمایند مجلس منمیر است میکت از رفیق من کمایم در دهان نشسته بود و بیوانت سکونید که ما این بود که جلوزدهم گویا از رئیس غلغلو مخالف بود کهک شایرین رئیس غله بود کهک سرزده این و کیل هر کس میباید که این نماینده ما از انحصار نباید بگویم شروع کرد حمله بر رئیس غله که آقا کتبله هستی میبرمه هستی امر از تو فارسی است گفتی غلامه بفرمه هر که از ادب رئیس غله عوض شد با طوری بود ما ضعیف ما از آن قدرها نداریم (مرتضی - تنخواهم هر وقت بلنیم) آقا رفقای خود ما خود میگویم که نمیتوانیم سکوت کردیم و نمیتوانیم سکوت کردیم در مجلس ما را مستلزم میکند و اینجان که باید دید که رئیس نمایندگان این گروه منافض میآورد ما نماینده خود صف هستیم و اگر ادب میآورد ما نماینده دوره قدرت هستیم ما خیلی گفته میبود که آقای بوخاریت هستی مگر چکار کردیم گاهی واقعاً متأسفانه ما را مرحله انضباط اخلاقی میبراند که داشته و کلای سابق گفته داشتند موافقت پیدا کردند میگویند همین فرانس پس فردا میرود لایحه بمان یعنی چهار روز دارد چهار رست حساب بگذار بنده را شمرتمه هستم که ظرف میگویم من چه مربوط است اگر من به آقای وزیر راه آقای وزیر آب و برق که سالها بنده عیادت دارم دنگه این رئیس وزیر ترا برادرفلانی را بگذاریم نمیتواند بگوید قولی موقوف من در مقابل فرد که حرأت دارد قدرت دارم که از پشت این تر بیون خطای وارد هر خطی که باشد! انراض کنیم آن ما خود مشغول حق دارم که ما بگویم تو چه خطی دارد ما دوروزی آن حق را داشته است این قبیل اشخاص

آنها را میخواهند و آنها هر که حس بد شد شدند تاثیر آن در شکستن سراسر هر از داشته خیلی کم شده در این مجلس پیوسته هست اگر فرض باشد بر تازی از این مجلس پیوسته بود مهندسان از کتبله این مجلس تهیه شود آقوای خود هاد وید که پیوسته نیست همه نسبتی هست نهایی کم است بلکه هیچ بیاید نمیتواند ویرود چون پس فلان الظنه و فلان العرفه بود چون که ثابت سولگام میرود از چه شری صدیست توانی میوشید چون بشما در مجلس ششایه میآیید قوم آمدورفت داشت چون عویش سپیده داشت رئیس دارایی سپید خالدهای رئیس دادگستری سپید عیاش رئیس فلان آقوای بود و پیوسته از مرگ سید شفا کتبله میگفتند به بعد تا آخر حاکم که از سواد احضاری گراما هر چند هستند (احسنت) این مجلس میطبی است که آبرومند آمد و روایت من سلم آبرومند خواهد بود ما در سید ما عمید و از اینجاست در سید میرویم شما این حرأت را داشته باشید که بگویند فلان نماینده در حوزه انتخابیه خودش کدام قوم و کتبله خود را که گمته شما را بوجدان این عهدت نماینده ای و که متیناید فریادید که کدام یک شما را مرجه کرده اگر من مثل سابق در هر روز نماینده فلان میگذاشته بود چه حرفی که آرزویم متأسفانه به حریه شاهدیستی میبر میبندد امروز مملکت ما همه است و مملکت همه است اصح است نخستگاران من تحت حمایت قانون هستند اگر این تضحی در سازمانهای ملکی وجود ندارد و اگر باشد بر باز دارد باید تر کنه اکبری. انقلب و از انحصار بد نشستم) این با واقعیتی است من چرا این تویم بعد اصل را دام بدلیا اینکه ما نماینده انقلاب هنوز بسپا نمیخوانند این انقلاب مقدس را گوشتوهنوز بیفغانند لسل جوان و لسل مایوس زخمهجا و همه کس عهدند که با این انقلاب مملکت ایران در چه راهی دارد میبود اگر اینکه بدون مبالغه مقدمیم ۱۰۰ درصد با شومی از بیخه است و این یک موقیتی بی نظیری در این

مردان است اما هیچ سزا محسوب نمی‌شود. در بارشانی
 می‌کشند و از نظر سرانجام، تقریباً معاف شده‌اند است
 که خود را داخل بار دیده بودم من چند روز پیش از این
 آقای مستندی که می‌خواهم حاضر باشم نبود و بار
 یک کیسویان در زمین می‌جویم که گوییم که بنظر
 ما حکم است اینها چند روز پیش بودند. من از آن
 به آقای مستندی که می‌خواهم از آن خبر است و اگر
 مندرکی دادند که من به من اگر وزیر می‌شدم شکر دارم
 بیرون بیستم می‌باشم مگر اینجا بیستم گفتم با اینکه
 فردا بار می‌خواهم آمد اما یک فردی را هم بر سر اطلاع قرار
 دادم که آنجا منتم بکنم شاید بیایم این آقای وزیر
 و بعد من بروم منم حقوقی را است کیسویان تحقیق
 را داشته بودم چند سال من بود کیسویان اطلاع از
 عدم شنیدن که آنها اینجا معافی که می‌دادند معاف و این
 اختلال می‌کنند در نظر دیده دارم شاید سرد و وزیر
 در اختیار من بگذارند مگر در واقع بکنم گفتند آن
 زمانیکه برنده می‌آمد در کیسویان تحقیق و معاف
 می‌گذاشتند زیرا علی وزیر که در وقت معاف کردن
 ملی می‌خواستیم اوج معافاتی بود اختلال قرار گرفت
 بود شاید درست نبود استمندی هنوز در جریان است
 آقای زاهدان متعلق رسیدگی هستند که مدارام وقتی
 مدارک نشان ندادند من آن عدم نوبت کردیم که خود
 ایشان بودند من آن عدم نجات شد که با یکدیگر با یکدیگر
 و این یکدیگر و ملکی حدیث آنرا نداد که هر ما اگر توانید
 در کیسویان تحقیق یک مورد ضعف دولت استارید کنید
 درست نیست دفاع با دفع و دفع اصولی باشد ما با دولت که
 پدر کشتار نمایان در برابر یک من فالان حرف تند را بر
 علیه فالان وزیر زمام دور این بیرون متحکم شد بر این
 فایده می‌آورد دوره این قوه قضائیه گفتند این وزیر
 اطلاعات بنده می‌جویم این قوه قضائیه بود همه در هر که
 ضرور خودشان از آن زمان من می‌خواهم یک توضیحی بدهم
 چندین وقت هستند معافی بود که این وزیر که گفته
 شده قابل اعتماد در این قضایا بود و نفع من می‌خواهد کنید
 به یکدیگر چند اطلاعات من در نامه شده بود دستور لکن

در حاکم برای اطلاع حاضر شد. من برای اطلاع آقای
 است از حدیث من من استند است از قوه قضائیه که رقم درست
 را تصدیق من مثل اینکه حقوق ما هم ۳۵ هزار تومان
 من سفر کرده بودم در روز شنبه در اطلاع شده اصلی بود ۳۰
 هزار تومان است و این مبلغ نیست این بدین حد که گفتند
 بود از ایشان بنده یک بار وقت بخورد ضرور بدین حد
 اطلاع ما بنده یک بار و این مبلغ و مقنی نیست بل
 بودجه که ما تمام ادعا و استناد که در معصیت نظر
 لیست دادند و این بود که در اختیار است و ما یک وقت
 بیش بود و در زمانه بود که در آن منی نیست اما چندی
 پیش می‌گذاشتند گفته بودند که هر حال استارید
 شناخته می‌شود یکی از همین مندرک گویا در دسترس
 علی میانه که املا در اختیار هیئت رئیسه من تسلیم
 این قسمت است و من می‌خواهم بود و استند
 من من استند است و می‌خواهم اطلاع از مسائل بود
 مستند است و در اطلاع قرار دادند این استند است و
 بود که در دسترس بود و این استند است که در اطلاع
 وضع کلی بنده بود و من می‌خواهم اطلاع از این قسمت
 هر دو نفر را بود بوقت می‌گذاشتند ایشان مثل اینکه این
 ساله داشته می‌گردد و وقتی جلسه علم می‌شود لورا
 می‌خواهم که بعد از این میان می‌گردد بعد هر سال
 هر هم جزو راجح ملکت هستند استامع است امثال
 علمی من در راجح ملکت و مثل راجح اطلاعاتی غیره
 ملکت هستند این را نباید چیزی بدید که ما در این
 بود حتی اگر می‌توانید بنام دولت هم حساب نمود
 مطالباتی حساب خود است اینجا یک خرجیانی کرده یک
 کارهای بده اما با بودجه شخصی خودش آمده این
 کارها را کرده یعنی بعد از آنرا هستند بنده که اعلام
 این اقتضای می‌بایست این اقتضای در این نیست که در اعلام
 میشود در بارشانی. لکن شکر اقتصادی اعلام اگر داشتیم که
 وکیل می‌شود. حالت کرده بود که استامع ما بنده گان
 اینکه گفتند آمده بود که است برای این است که آن
 همه را لورا بود و دیگر دولت فالان نداد و لورا چون
 بنظر آمد که باید باقی اینجا بشمار یکدیگر می‌خواهد

بدرستی حاضر شوی شناخته شوی با شرط معصوم
 در تصور یعنی هر یک از اینها معاف از جرم که استند است
 در سرور با وسیله را داشته‌اند و این و قلمها به نظر آنرا
 شده بود و آمده که خلاصه که ما استند است از آنجا
 رسان آمد مطالبی را به در آذربایجان دارم خیال خلاصه
 و بیشتر عرض می‌کنم می‌دانم که با یادداشت می‌کند آقای
 دکتر میگفتند معجز می‌باشد. شکر که خانیات آنجا بیاید
 آذربایجان در قیافه اش را خوب می‌کنند یکی از دوستان
 میگفتند آذربایجان دارد پوست می‌آورد و واقعاً
 هر همین خود است یک شکر همه با همه استارید که
 در خانیات آذربایجان در طرفی تسلط است بعد سه
 نفر بود که است سرور در این قضایات ایران
 بخوبی در این قضایات علمی وقت است تسلط است
 سال است که در خانیات هر سال با دولت آنها را بخورد
 خودی یکدیگر می‌شود و یک سکه علم تولد است یا ما
 و شکر که نوشته یک کت با آنها می‌توانند معصوم
 کند سکه علم در آذربایجان سکه در است علم دست
 بود است از زمین سرد لکن این علم که با این
 سکه می‌تواند بخرد با این سکه می‌توانند معصوم است
 از آنجا از ایران از آنجا در فصل و خنجره که نوشته است
 نعلی بدست آورد این ذراع می‌تواند بیستم خود بیست
 که از این می‌رود دستور بعد غلط خرید معصوم سکه
 کت توین در زمانه بود در آذربایجان بنده من توانم یک
 وای سکه مخالفت نیست اگر می‌خواهید در این که جلوه
 مخالفت می‌شود در این زمان اما اگر می‌خواهید آرام و
 ساکت بگردید و شما اطلاع آنرا با یادداشت بر ما می‌دهد
 ما می‌خواهیم که اطلاع بکنیم می‌خواهم آنها که مفید
 هستند به اطلاع هستند توجه فرمائید اینها مسائل
 بیش از آنکه نیست اینها مسائل حیاتی است در ۱۳۴۵
 در آذربایجان در بزمی بالغ بر ۹ میلیون کیلو توتون
 خریداری شده است بنده گان مستند به اطلاع در ۱۳۴۴ از

مردم از دستکش از شرف ۷۵ عدد ۹ میلیون کیلو توتون
 خریدارند در دولت ۱۳۵۰ این مقدار شده می‌خواهند هستند
 و بخورده کیلو بعضی در حدود دوسه (۱۳۰) معصوم با این
 آمده (۱۳۰) این را جدا جدا گفته‌اند که که می‌خواهم آف
 هم باطله و رقم در کیسویان و این شرکت کرده دوست
 کیسویان در جانب بیرون داشته چند بار امامی عرض
 نشاید مستند است در این قضایات شکر است بیرون آقای
 دکتر استامع می‌گوید که می‌خواهد با آن دولت رسیدگی است
 چون تحت رسیدگی است بنده عرض نکردم تا نتیجه حاصل
 دادند و توین برای استارید رسیدگی است می‌خواهند معصوم
 بنده توضیحی بنده (بیرون - صحیح فرمائید) از قانون
 وزیر محترم کیسویان حقوق کیسویان آقا بکنند
 برای معصوم است که استامع می‌شود در این قضایات
 که توضیحی بنده استامع می‌شود در این قضایات
 سکه می‌توانند در هر حال بیستم را که استارید
 فرستاد که استامع اعلام نمود به بار و سکه بیستون
 دولت حق می‌تواند که در این قضایات استامع عرض کنم
 هنوز آن سکه کت در سال کت استارید از این قضایات
 حسی بنده استامع اعلام کرد که می‌خواهند در بار
 بین می‌رود می‌تواند کیلویی می‌شود می‌خواهند شما می‌توانید
 از این قضایات در این باره می‌تواند علم از این کت
 خلیفه بنده من امروز در خارج می‌گردد شما می‌توانید
 سال گذشته استامع کیلویی یکبار و نیم بود آنوقت امروز
 کیلویی (یکبار از نمایندگان - کیلویی ۳۵۰) (بال است)
 خوب فرمودند بنده می‌خواهم یکبار ۳۵۰ (بال است)
 ذکر خوبی در دست این مسائل قابل طرح در دست بیرون
 مجلس نیست این مسائل اگر می‌خواهم می‌شود این حقیقت
 را نباید بگویم که بیاز کیلویی به قیمت استامع
 کت استامع سال گذشته یکبار اصل ۳۰۰ (بال خوب
 می‌خواهد مدار می‌گردد. شکر قضایات می‌خواهند و اگر
 نمی‌خواهند می‌توانید به آب بار یک بودجه اقتصادی
 استامع تعیین می‌گردد چه ضروری داشت مثال اینکه شما
 هر ساله در نفع می‌توانید اصل به آنکه دولت در رقم

چند ماه بود و خوشحانه در صورت دولت زده شد
 آن سرور سلسله ای بود که سرمروری بر ریسکه نشیند
 تا آن تاریخ پیوسته میشد. اینها را اخیر حسدی نقلی
 کشید اگر بر روز ذراع و ششگانه میشد اگر دیروز
 بیاض میشد کیولی سیرامی صرف آن روز به نام شمشیر
 فرغ میگرد و اسلا آن مالک متولد میرفت بعد خانه
 آن ذراع و دستی بود میله آن روزی آن ذراع میگفت اسلا
 شود یکقدر از اینها کند که به بانک کشوری اعتبار کند
 این موضوع بگردید عین مسئله نتوان که بنده عنوان
 کرد تویش هواز میباید که است آن ذراع که میگوید
 میدهد که آقا در این گزارش بکن همه این گزارش
 بنده اشاره کرد هر دو ریسکه ای دارد آن ذراع که شا
 ومن اعتبار میکند که مستقیم از پیمان آن بر سر
 آن ذراع رفته فرار بدسته از دولت سابق قانون سابق
 صورت خورده باشد دولت سوم کرد آن مالک
 را اخیرا کرده اسلا حلال اسلا مالک ملتند میباید
 حلیه رفته آن ملت را اجازه کرده خدایا اینکه در
 متعلقه فریب کشید معلوم و خرهای کشید عنوان
 خواهد داشت شمشیر فرار بدست کشید که معلوم
 خرهای بیشتر بنحرم در تحقیق این حساب بیصورت
 در مقام آمد بعضی بانکها را چگونه خواهد داد
 این یکفکری بکنید ما هر متعلقه را اگر نوسان
 هیئتوری بنویس و در بنده بیاض پیش و جهان خود
 سرمدانی این حرفها آقدر هم است که نقل بنمایید
 دولت را تکان دهد سیرند خور امروز متعلقه کمبود
 میگوید زحمت فرد و رعایا چه گفت؟ میگوید راجع
 بهیاض و سبب صحت کرد اینکار ما ریشه دارد. برود
 عواقب حساب فرایش را بکنید که عده از زارین و
 مالکین من هیئتوری تکمیل میگوید یک تعلق
 کویسی است اخذ نمایندگان و بد میبوم چون از
 این بابها آنجا بیاوریم و بیزار و مالک بی تفاوتی جنسی
 است اما آن همانان از چه میدهد چه امری را بدست
 که بگوید مالک باید بده بگوید خلا شریک چند
 من برضات میسرمان معیان اخلاف هم آردا بشوند

شده باشد و معتمد معتمد و معتمد معتمد مالک داشتیم و
 بشاگرد کشید هر چه شد ما داریم ما در آذربایجان مالکی
 داریم که یک ممت ۱۸۵۲ خرده مالک دارد عوامی که
 کثیر آن مالک خرده داده میشود کثیر از عوامی است
 که بیست ذراع امروزه میباید است باقی جنسی را
 از نوزده ساله مانده بدادیم و بیست امروز آن هم جنسی
 که کشید و برنج و لوبیا است میگرد و در فصل جنسی
 میکند و اما اگر نه این مایه حتماً لیدل بیول شود
 ذراع باید مقدار چند هزار کیلو برنجی را بکشند و با
 بیروز در چند فرسخ (پروت) آقا ابله پول نقد که
 مید کردینه حالا پول داشته باشد باید خرچ وله
 میگرداند بنده نقد که به خرده خانه بدهد باید
 شعر خرده بیول را بدهد بیوزم بدست آویز کند
 و بیوزی آن مالک باید از آن کشید بعد در فصل
 سگور خوب آفتاب خورشید است اسحاق شمشیر فرار
 بنده است باقی جنسی بین مالک ذراع و لوبیا آنرا
 بگذارد بدیروز و امروز یکی از خرهای بر وسفا و سایر
 خوب و بد میباید در فصل است اینکه حرف میگوید
 تعلق کویسی را این جنس است لوبیا لوبیا بیول
 اسلا چون قسم گرفت و میباید در نوزده ساله بیول بد
 را قورتی ششمی لوب در دز تهران سرق میشد اسلا
 مردم بجای روز بانک نوسان را مالک را کتر سیبیر این
 را بخردند سبب متولد میفرودش پولی با هم ملک
 فایده ذراع ملک میشود در خرهای مثبت موافقت
 میباشند خوشان میباید مردم متعلقه لیسه ولی از این
 اقدام فساد میباید بولکهای خوب میکند و با این کارها
 برای خوش دکان نیسازد یعنی اگر هر روز موز میورد
 مقداری خوب است مقداری بد و این دولت با کشور
 اینچنان مسائل روایی آفتند است. همان قدر که با آوار
 شده که بیاز کویسی ۱۵۰ ریال ظم فاضلی است نیامدن
 مردم بی خمت قابل توجه است اما در این حساب
 آقای دکتر ضمن این اطلاعات بیشتر را میداند. این مسئله
 خیابان مهم است بیکاره دولت تصمیم گرفت از نام این

دستگاه و بهر ذره تربیت الله و بوجه آن احد
 بند ملک که پیش از خلی صالح دیگر به قایم و
 وجود آن بازمانست امروزه کمبود فایده و چارند است
 و مادر خر غلظت و خر جمل سفر با مردم که آقا قبله کما
 است چون متوسلین دختران دانشجو را در دانشگاه
 خدا یک شریعی برای این کار تربیت کشید ولی وزارت
 بعد از عیاری سازمانهای وابسته بدان روز انگلیس در زم
 این تربیت قایم و اسفند که براند (خواهد بود) مسئله
 سازمان است اسماضون که آقای خواجیه فرزند مومند
 در آن حال حضور که فشار وزارت را تحمل میکند
 مسئله قایم نیست علی دارد (است) است آقا
 در این موردی که آقایان هم میگویند شرح است
 بددشتی بر میگردیم و هم باید گفت که در این مجلس
 صورت صل و زیاده از قانون صرف تعلق میروند
 همی است مالکی بی بی مطرف و دولت متوسلین سازمان
 غایت میشود و همین است دست مردم ضمیمه
 ملان مشرف و وزارت آموختن و تربیت در این مورد
 بر مایه بیسی مسائل ازین گفته شده است این خود را از
 دستبرد میباید که اسماضون این امری است که
 خوارین و قیام آنرا متوجه شود و بیروز موند از اند
 است و به ارزندگی استاین خیلی قابل توجه است آن
 مسئله هروین است من تصور میکنم این مسئله و کله
 هروین این اخبار استند که من در خانه
 حالا استقبال از آن شروع شد و همی برای من
 با بداشت میفرستد که سخن را بکنه کن استقامت میکنم
 با بداشت میباید فسخند اگر تعلق من مسئله هروین آقا
 دارد میباید میکند این مسئله را خیلی خیلی عالی نقلی
 نکند من میفرمادم که این از اینها هم ما مالک فرقی
 که میباید است خدا کندا بدنه هروین که در این رابطه
 است من این رابطه هروین را با اصلاح از منی بی حساب
 نیامدن جنسی بی ها دارد روزنامه میخواند با
 در خردا داده ای را همی عرض کنم که این مسئله هروین
 دارد عهد میکند میباید چه کسانی را دختر شمارا

بسر شمارا و خر شمارا و بند شمارا و مراد شمارا این
 مسئله چطور میگذارد زده میشود؟ شا نکته کشید
 بیست سخن از جوانها دیدم رسی سخن از جوانها سرود
 سینه کارهایشان بکنایه بدیده نه تعالی خوشان بلکه
 کارخواهانشان را بجای رسیده در آذربایجان حرفی ...
 (با توجه به این سخن میباید که عده در این مجلس میباید که
 مانند با آن جوهر است که در تربیت پول بانک در شا سراز
 دوم نایب باشد همان رسم و خیز و افان سراز اولوم
 در وزیر که در وزارت خود میماند آقا وزارت که
 آذربایجان حرفی بجای رسیده که بنده به شاریت
 سالها رفتن میباید که آقا در عده در صورت شریکی
 متعلقه فریب کردیم قطع خط را خطی کشید
 بیروز را بیروز نگارند مسکن سکن سکن که
 بگویند آقا شرا میماند که در آن مجلس میباید که
 که حالا در آذربایجان حرفی بجای رسیده که بنده
 سراز متعلقه آقا این مهم است حل من میباید
 تر مسئله است فریادی است یکی مابین مسئله دارد
 فریادی است چون سنگ خا این مسئله خود خیلی مسائل
 در آن سراز است و حلال است عقاید من در این دولت
 که بگوید وقت مجلس و از این بددشتا بددشت
 میگردم و در باره تربیت بیاض و بیاض میفرماید
 (موسوی کیمی و ولایت ملی است) با ولایت استرانی
 ششاهه آقا کیمی بدنه بیاض میباید ۴۵ میلیون تومان
 بیاض حتماً تومان است چون دولت مسمر دارد کتر
 بیاض سر و کار دارد ۴۵ میلیون تومان هزینه سرشاری خوب
 تشیکل در خندان بود اما تنها قیام این بود که ما
 ۳۶ میلیون جمع داشتیم ما در این سرشاری اشتغال
 بیشتر داشتیم در برابر ۴۵ میلیون تومان باید بخیلی از
 سزالات ما که با نیازهای فرعی این ملت مستقیم بودیم
 داد خود و این جواب حرفی اداره سرشاری و آمدن جواب
 تطبیق نیکنده چون فرار بود و خندان و عده داده بودند
 تهران و کربن این روزها بدهند و عادلند. راجع به
 فرهنگ رقی که راجع فرهنگ محبت بیوز آن رفت
 سابق جهن بنده ما با بددشت کردم متظرین وزارت

آدمش بیرون است و هر چه شده فکر میزند آنرا همه در فرهنگ جمع کرده است از آموختن بیرون است از آموختن که گفته اند فقدان زبان را ملایم بود اصلاح است و در زبان و پرورش در سطح بود لغوی محدودی مورد توجه است فرار نکردن از لاف و شکر خود هو بود و آن این است که آموختن و بیرون است بود ۱۰۵ مبادی بود محدود بیرون بیرون و آن سازمان وسیع فرهنگ را هم محدود فرماید بآن که در هر کجا که دختر خوانده است با اینها میفرساید که انتقاری از آن مدرسه دارند این انتقارات را مردم از فرهنگ شما دارند دخترها را دخترهای خود را دارند و تابع و بشیوه ولی ما آن مضمی هم روشنگر میخواهم باشیم و خداوند آن مضمی و آن مفهوم روشنگری بگردد در این مملکت بزرگ بیرون (مصحح است) آنرا فاشا و فاشا خودتان تشریف بفرمایید و صفت سخن اولیام که ناخن و سینه زنی هست این دیگر سموت پیدا کرده آن سینه زنی عیب بسیار و خنده مانند بکنان نقدیده خنده ندارد وقتی که ملاغریوستان است که بعد از است واقفتر از این نظر نگردد یعنی در مسکن است شوخی کرده شوخی زهر آنگین بود و شوخی ایشان کرده داشت گفتند میزونی خوب است اما برای دیگران دیگران وقتی عمویت پیدا کرد شامل همه میشود.

بدینا لاف ناخن ها آن مایکورد خیلی چیزها وجود دارد آن تردا ها با زبانی انتحاب برآمده میزند تا این اثر برآید صبح و عصر تشریف بفرماید تا ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح و تا ۴ تا ۶ بعد از ظهر میبندد چون روزنامه نگردد هست سلیبتهای را خوب میدان حاصلین خداوندت را به پیدا کنند ما تنها در میخواهم پرورش جسی تنها نیست آن اجاسی که آفرینست میخواهد در پرورش متعمق نمیکند او تنها نیست پرورش قوری و روحی و ایمانی، مبنای ایمانی و دینی خانم ا اشاره به خانم دکتر زبانی کشر میخواند مورد توجه قرار بگیرد ملتی که مبنای دینی و ایمانی خود را از دست داد هر چه چاره از این میروید از دست خواهد داد دست هر از دبلیم و لیسان دارد دل خوش باشد که چند تا نصیحت باقوی

طرز آنها تربیت میشد حالا که میرویم خود را چه خود میکنم لاف آن روز همه این حالت دچار میشد چون مردم کلان اول دشمنی را که در خیانتان میبندد خودشان بدون اینکه متوجه میشدند دگره با ایشان را میبندیدند همین در این جهت نقش خلافت دارند معینین آنهاست هستند که از این این بخش هستند و ایشان باید مقداری اصلاح جهت مقدس ششمین باشند آموسوی ماکروسی - رهنشانی هستند خوبترند و اخیراً یک تنگی هر دو پیشا بوجود آمده چطور شده که این تنگی بوجود آمده ملایم میخواهد بود مقولات نشود ولی می خواهم کرد که باز هر جا زدن نوسات کیزند پیام بیک مورد یا لاف بشنن در یک ناک منازک سب این تشکل شعبی اینست و می فهم هر کسی اسیر اطلاعات خویش است این تشکل در وزارت دارائی در وزارت بهادری اصلا نبود و در سایر وزارتات دیده میشد چرا بیکاره در آموختن و پرورش دیده شد و در پرورش دیده شده بود این را من بگردد با یک نفر در فرهنگ در میان گذاشتن برسد چطور شد شما دروز این تشکل را داشتید چطور شد که شما را در هر طرف ملایم نقش اول را دارید چطور شد در سایر سازمانهای مملکتی این تشکل دیده نشود یک حرفی شنید در این حرف را در احوال کرد یا لاف قطع از این آن حرفی نشنیدید بودن آن حرف این بود گفت. قطع از روز با صحیح با صحیح تشدید که برای خود ما یک شخصیت حرفه ای قائل شده اند یعنی سابق ترین آن سوزی که شما دارید آن سوزی که علافتان در افراد نیست بتمام شخص سلطنت دارند و وضع اطلاع آرا قاصداً باید ندانم کردند دولت داشته باشند و باید و اما چرا در این مظاهر کتب میبندند بدلیل اینکه تا دیروز رسم بر این بود که این مظهر محاسب با فریب جسمی گذاشتیم و اینها در شان خودشان میدانند اما اشتباه اخیراً بیک مناسبتی عجیبی پیش آمده و یکی از دیگران نمود حرفه ای گفته است که آقا فرهنگ را با لیسان فانی نکندید فرهنگ را اینست و دفع ما فرهنگ را یکی

بعض خویش نگردد فرهنگ بک آن نفلت نمیکند پس سعی کنید در این مظهره سیاسی دکانه را نکندید تا نسبت بخصوص هر حرف جزو نموس محبت بکنیم پس نکندید که نگردد فغان شصت فغان حزب هلاک بعد راه افراختن بود در ادراختن گفته است اول صاحب و ولیقه صاحب را از صاحب قانون و صاحب کتاب هسته که این وجه نقیوت کردیم که در تمام هر زبان ملت که در این راه می جنبش پیدا می دل غلبان است قدماً و علاوه در احسانات عمومی بود مظهر عمومی شرکت خواهد کرد این توفیق را بنام یک کس نویسنده ضابطه کند این را نیز کرد کس بنیدم احسان عمومی از عواطف عمومی از اشتیاق عمومی فرقی بر فرقی من آن کرد و اریس کرد و در این راه عمومی بود بمناسبت از نظر اداری و سیاسی اطلاع اداره بود بگردد این مکتب خوب تر از هر روز ۲۶ آن استیاد در مظهره در نظر جان حاضر نوی چون آن میداند اگر حساب من میآمد حساب روز ۲۱ آذر و بحال خود برایش گذاشت میباید آنها که متلاغرری افاده کس قدرت نکرده از او کس قدرت میکند لذا برای اینکه توفیقی کس قدرت نکرده خود یک میخواند و آفرین بود خانه میبندند این را در فرصت مناسب و در یک موقعیت دیگر بگماید باید ملاحظه کنیم در دانشگاه تبریز تحصیلاتی بر حسنه داریم که عنوان دیری دارد مایه افتخار علمی است عیب ندارد اسم برده شود چنان از برای در میاید در آن روزنامه بتوان رأی جمع کرد گفته است آقای قاضی بی مردی از نظر ادب مجتهد ۱۵ سال است که تدریس میکند و جزو دبیر است با بفرمای او یک راه امید باز کنید حالا در آن گفته است استادی داد آن مسئله با کسبت عکس العملی که در وجه این عالم آبیاید و شود است گفتند میباید عیبی بشود و این مورد موردت فرار بگیرد از لطفی که فرمودند بجانب اجتماعی عزیز بنشهر خالی از روزنامه اطلاعات و احادیث و نظایر این فرستاده اند متکثر بود اینها باقی است مسئله آموزش و پرورش مسئله روز است منتظر هر روز بیک

برین حق را قطع و موقوفی و طغیان مانور مورد تحریر و
 و خارج بوده است بکار و زمینگندد مشاکل حکمتک سبوقی
 است. سوار در وضع انتقالی حد ای میگردد و سوار سوار
 آنها همراستند ازین جهت این ناحیه لازم است بعد از
 آنکه باید مگرهای حرفه ای برسد هم چنین تربیت کرد
 مدرسه ای که هرگز مورد تربیت نگردد که از تأسیس تربیت
 میکند و در نتیجه اینکه مملکت باید مملکت کارخانه
 نامیده شود باید جلوس را گرفت شاعشته و آثار و بر
 واهی را که ضمیمه جزئیات مملکت رسیدگی میکنند
 که حضور تان عرض میکنم تمام جزئیات مملکت ضمیمه
 بشمعهفادری و تقاضای هر نسبت دادن نیست موسیقی
 تالیف شایه روزی شاعشته استخوان بسته اقامتات قطع
 شصت و بی نظیر سلامت در دست و نظر آراء اندیشی همه اینها
 را که در ویا تها کرده است میشود که نگوییم مثل
 السلطان السلطان و السلطان السلطان میکنند خوبیتی
 سبب نیست سوخت مرداد قیامه شاعشته و از غیر از قیامه
 مملکت موروثی شوان مقدمی هر بیستیه (سبحان)
 شاعشته مگر اثره فرمودند که باید طغیان حرفه ای
 وقتی توسعه پیدا کند انتظار بود که در پیوستگی مملکت
 طغیان حرفه ای از آنها حاصل و از آنها حرفه و از آن آموزش
 و در دست با عین مستقیم که مگر بگویند که بودجه روز و
 بودجه مگر بگویند طغیان حرفه ای وقتی که مرسال گفته
 میلیون تومان بود اصلاح هم متأسفانه همان ۳۰ میلیون
 تومان است خوب شما که میخواهید کارهای دیگری
 را محدود بفرمایید میخواهید بکار کنید و قصد میخواهید
 بودجه متداول تجویز با بقیه ما بودجه متداول میخواهیم
 بودجه متداول بودن و غیر متداول بودن عیب نیست اختیار
 نوبت از وقتی شما متداول خوب است آمد بودجه متداول
 را گرفتیم ما هم موافق است اما آمد بودجه متداول
 آموزش و پرورش را از دیدن حتی میگویند جاهتیک
 انکشاف است باید مدارسی ملی توسعه پیدا کند اما
 بودجه ای را چکار میکنند جز حرفه ای میکنند
 جز وسایلی دیگر میکنند به نایب باید بودجه
 استثنائی و اختصاصی برای طغیان حرفه ای و فنی

حاضر بر دیده تازگی که من اطلاع دارم بعضی کس
 اطلاع کرده اند نسبت شوقان که فریاد بر آن هر نه تأسیس
 ده میلیون تومان است عرض کرده بده شد مقدار وقت
 تلف کرده این اطلاعات است از بودجه است که
 یک از برای ما هم منظور بگویم این مؤسسه ده میلیون
 تومان هزینه تأسیس است هر سال ۱۰ میلیون تومان هزینه
 اداری است در چنین مؤسسه ای بی در چنین استثنائی
 هزار نفر می تواند تحصیل کند یعنی غیر آدم کاری
 رشته های فنی و حرفه ای و تعلیمی کمبود نیاز خوبتر هم
 هستند میتوانند درس بخوانند در حالیکه شما میزنم
 مصلحتیکم بخارج میروند و هم هزار تومان برای یک
 دانشجو از مدهد البته این غیر از ارزی است کمترین
 میفرستند برای آن که برای دولت تمام میشود برای
 یک محصل تمام بجای اینکه باید در داخل کشور ملوس
 حرفه ای و فنی را تقویت کند باید برای تمام مصل
 بخارج دانسته اند که اینها کسب و کار از تمام مصل
 بخارج می بیشتر مصلحت نشان ندهد هر بیستیه که
 دانشجو بوی بیشتر میدهد اجازه ندهد بخارج برود اینها را
 که به آنها میباید بیشتر آموزش را برای آنها بیاورند
 و از زبان نمانند یک مؤسسه ای باز گوییم تا آنها که
 میخواهند بیرون بیایند باید در وقت مقدماتی را بخواهند
 اینها که میروند بخارج باید با هادند کمال منزل کنند
 خرج بوی بیشتر چند است از همه بیشتر آنها هم که
 دوره لیسانس کاندیدانند اصولاً اجازه ندهد بیرون
 و بقیه دوره لیسانس را گذرانند و نهل اختیار کرده
 آتوق متوجه آنها را بیستیم تا جای که اطلاع دارد...
 اینها را مثل اینکه خیال دارد بد شوشتر گید ثامن بیشتر
 مکتب است (دکتر الوئی - دانسکه) باید با هادند بقی
 وجوه داشته اند تا افراد برای تحصیل بخارج (فروند)
 بنده دانش را عرض کردم بشما این ایجاد مدارس فنی و
 حرفه ای است (دکتر اسفندیاری - دانسکه) فرق میکند
 ناله دانسکه هم چندانرا بدنه اند حال را مرسوم باین
 یکی نمانست بنده آن بشما را که اطلاع حاصل کرده

عرض کرده چون در صد سالین اخیر متدی عزیز شما که
 ۱۰ هزار تومان عرض میکنید هر بیستیه و بیست و یک
 به ایران فرستید که این یک رقم وقتش است که بنده
 در یک کس از برای شما خواهد بود این کارش بیسی نوشته
 شود که چهار درصد مصلحتیکم با پول میروند
 دیگر به ایران فرستید که (یک نفر از نمایندگان -
 مسئول دولت نیست ما از آن دولت ایران میروند
یادداشتها (معاون وزارت آموزش و پرورش)
 چنین چیزی نیست
تصمیم فرد - این از یک کس از برای رسمی است و
 بنده تصدیق میکنم که بعد از یک کس همین بیرون برایشان
 بتوانم (مسئول تعلیمی - این خلاف وقت بیستی است)
 مسئول مصلحتیکم برای آنکه حقیقتاً برای مصلحتیکم
 سرپرست را در نظر نگرفتم برای آنکه مسئله از
 اینها برود وارد امر را میشود چنانچه قانون که برود
 همینطور بلکه سرمایه بدو مصلحتاً نمود است
 میقت و در پیرو و میادوم که این مسئله مورد توجه قرار
 میگردد همین وقت بود آمدند و در وقت زود تمام است
 از این قبیل را مطرح میگردند، مشکل ظاهر طبقه و چند
 انگار دیگر گویا اتفاق و زور آموخت و در پیرو هم یک
 حرفه ای تبه که در وقت مصلحتی نماندند و میادوم
 نصب قلمی در پیرو در یک مسئله - مسئله برکت اینها
 هم مهم است میگویند بی از اینها که بران حرف کس
 در دست خودمان کفتمس پیدا میکنیم کفتمس توپ که
 در این رشته نسیمی در کجای ایران باید مسئول توپ
 بداند تمام جواب نمیداند در حق میآید اینجا چندم
 در این وزارتخانه چند ماه در آن وزارتخانه چند ماه
 طبقه و چندم در اینها میادوم تا اینها میگردند
 سر جای خودمان - بنده کلام بیشتر در مورد اصلاح
 نمانست ۶۰۰ نفر تا شروع کردوی همیشه میگفت و
 می نوشت که یکی از خطایای بزرگ است نعل طفلی اینست
 که سنی شرط دارد نمیداند و بیچاره اینقدر تکرار کرد
 تا وقت ما مقدماتی کلام هم در اینها کفتمس باید
 راجع بهشتم باین فکر نامه صحبت نکردیم ما - در

همین تعلیمات نمانست بود که اندکی از زمینین خارج
 را آوردند اینجا همه جا را با آنها شان زیاد ملسد و
 اندکشان هزار اسمر کس اینها ساند بدو اندکشان در بداند
 با هتزار اسمر را نمانند بدو آنها آسمر مند تر از این
 مؤسسه زیاد در دهه اول که میباید نشان مرداد و تقویر
 در اینها برای این که قیامه مملکت بود - آرای
 ۱۰۰ ملت ایران بود و نتایج و اثراتی که مترت از این
 آرا در دست و مطلقاً در این مورد حرفه ای گفته شد
 ولی امروز آنها را برای نمانند مملکت
 و خطایات خارج مدارس اینها را با یک در توپ هم میزند
 روشن کرد که باید بدو اینها و عموم آن میکنند
 بخارج که در آنها تقویر کرده بود خارج کردن
 مسوولتی که در آنها رسوخ پیدا کرده بود خارج کرد
 متأسفانه در این مواردی که بنده گفته بود هر جا
 غیر بیستیم بیرون مصلحتاً و انتحاف نوشته خوش
 سواد نمانست و واقعا متأسف شدیم در مورد اینها نوشته بود
 ولی امروز است سواد مصلحت خوش و خواندن طبقه
 این نوشته را بعد از تقویر نمانست میگردند و اینها سبب
 از نظر من بسیار هم بود آنها هم است بنده هر چه در
 متوجه عیب اطلاق میشوند تمام تربیت اجازه بفرمایند
 بنده اینها را عرض کنم بعد از شما خطا ها متأسفانه بنده
 طبق وقت در دست و میسکال پیش که درجه بود اضافه
 بشده اسپر کس در دست و میسکال پیش که درجه بود
 نمانست بر و آمدن همه را جلوم من مصلحتاً خفا نامی
 داشتیم بنامها تقویر و از اینها تقویر و از اینها تقویر
 هر ظاهر آرا بیازی کردند به بنده مأموریت داد بجای
 ایشان را بگردم یک جوان ریشی بود ۳۱ تا ۳۲
 مأموریت داشتیم که بجایش را بگردم هر چه کفتمس چیز
 بیادند بنده کلام که بجایش را بگردم هر چه کفتمس چیز
 آمد خواست اسریش برادرم گفت که توجه بفرمایند تا
 کجا اثر کرده آثار انقلاب بنده تا کجا آثار انقلاب
 رسوخ کرده وقتی کلام را از این جوان به اصطلاح مکتوب
 میادای که اسپر کفتمس برادرم که کفتمس کفتمس

اشته موقافه بلیکه برای خودم برارده ام که زمین - کلاهبرداری است کلاهبرداری بکلاه کلاهزای حرمانت و بی که کلاه وارد نشود و این کلاه که بیشتر گروان داشت مدای سخن و سخن میدهند لایش را ناز کرده بودم با صفه از قرآن مجید است آقا کلاه نشی آن جوان که امش کوربا بیام بیام است ایشان نمیکند دهنم با صفه از قرآن مجید است در جانشین دو نفر یک مطنی نوشاندند خوش نوشته بود داده بود برایش نوشته بودند گوش کنید این سنده سندی علی از حقیق نایب گفته است نایب بدیع این حرفها را شرط کند میدونه نوشته من بدین قرآن مجید و حضرت عباس قسم میدونه که تا آخرین قطره خون خودم را بر سر من مبارزه و استیلائی و قاتل خودم بود صاف دوست قرآن مجید بیسوی ایرانی هیئت قتل مستود ایرانی هیئت کزین خودی دست نمیکند آن روز آنها قیام کردند خسته ها بودند که آلت مستور دادند آنها قیام کرده بودند استیلا بر علیه مملکت قیام کردند ام قرآن قسم میدونه هیئت من خواندم یا منتقل خود بیستم کردم با او شروع صحبت کردم بیستیم کردم گفتم مؤمن خدا ام قسم میخورم که برود به استانیل و قباد بلند استانیل و لایلا و کسویت این چگونه قسمی است اما او حرفی نداشت در جواب من بزد حرفها در توتی داشت بود قدرت منیم پیش از این نبودنم پیشتر از این نبود شوم هوشیار از این نبود و تصور بیسی ها هم پیش از آن نبودا کردی آن حادثه پیش نیامد ما را تمام شد مردی ماند او چه موقع آزاد شد سیدام ایندرا بعد آمد در ۲۶ سال و او بی شده نوشته گویا با لیری نام او بود دوست بود ولیک هر روز دوستام که در آلمانند گان - شاهسون است) گویا مشترک روزنامه من است روزنامه مر پوین دوست میدهد امیری برود (بکفر از زانسانند گان - حسین وطن دوست) ایجان با آنها چه ارتباطی دارد چه قوم و خویشی و آشنایی دارد سیدام میفهمد این کتاف همان شخص است ۶۱ سال قبل از آنکه داده که خسته بودیم زیرا من و اجداد من ها که خدمت دانا که فرستیدند

مکتبش بر نبرد دامن از سید همین اندازه که موفق شد بنده شدن کند سید بدانت که آن عقد چرا وجود آمده بود من وقتم او را بدید بعد در ۶۱ سال به سنده کاغذ نوشت نیویخواهم کاغذ را بخوانم و داشته را بگیرم نوشته است از برور بیصبرت کردی من چرا شک چیزی داشتم مرا فتنه کردی اولی را واقع نمیکردی من میخواست کمکمی ائمل نشان میوه در مقابل میات حاکمه قند من میدانستم تو میدانیستی عسکی ائمل نایبتم که تا آخر عمر خودم خوانجام شرمند آن خواهی بود منی از کدام غفلت میات حاکم بود چه چو که ملاز به آن راه سوق میدادی ولی مثل ائمل ائلیصبرن آن قلمه مرا خواندند ریشه دردم را نهدند و امروز بشنایند و رفته اقدام کردند از سرور من میخوانم بگویم من من زحاکم در این مملکت صاحب و مطنم بملین خاطر مکرره دارم که الصفاه در تمام دارم و زندگی دارم اینها را امروز همه دارند امروز حیت دار بدین صفت دارم آزادی دارم با منیت دارم آزادی سره آن منا که جان و مال و نفس و وحی منی دست آن نیستند و من عاجز جانی بیعتی پناه بریم برای اینکه چرا جزایر بود بشهره دو آما عت از فقه جعت که مرأیوس بر گردان نیست امروز اگر ظنی واقع بشود بدو بدوگت بشانند میوم و دولت من مرا عت خود میدانه نمیکردی شناخت من که با کی طرم این انقلاب باید شناخت شود این انقلاب باید باز کرد شود انقلاب خید باید مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد این دکترین ماست این دکترین بیروی ماست در باره انقلاب سزانه و ترش بخش می پادشاهت ما را خلاصه میکنم باید دقیقاً ما را با همه انقلاب را بشناسیم و بدانیان انقلابی را چه ایجاد کردیم زیرا چه خائنانه تمام تحولات را از برور خواستار شدند و از همه خواسته تالیضهای تحول طلب خائنانه و تأیید کنند برور از یکجنگی که از زمانه دانی بود بر سیم از کدام حزب؟ گفت حزب ملت ایران در آن جهت در ادیان ایلامی هر کشتی کردیم مردوز ششم من شرت کردیم آنروز رفته غرضت را گرفت غرضت که

روزشتم همین روزهای که روز ششم همین دست من است من حجت به آن اقتضای میکنم اینکه آقای وزیر کار را مخیر روزنامه خودش مصاحبه کرد فرمودند است نسبت صحبت حزب ایران انورین حتی پیش از حزب شدوری عضو داداد او کمر این بیان منی صحیح نباشد باین معنی که بنده عرض من که من سلف من است آن این است که تریست و تریج میولون ایرانی ۵۰ میلیون عمر خودت سده و در مقابل خودی و خارجی املی و غیر املی همه و فتنه و فتنه عتوت گرفته یعنی آن ترزا تأیید کرده کی میخواهد بگوید که من جزو حزب بیستم ایران و روز ششم من ترزا تأیید با اعلام بدانت و تنها مملکتی است در عالم دنیا که نسبت به حجتش ۷۰ میلیون عتوت آنرا با کمال فداکاری پیشتره و حجتش اعم این ترزهت و غیر اعم و دیگر بر این خلق و بر این انگیزه وسیله آقای نایبم هر که تو ناهیم تو است که راستین را انقلاب باشم بلاضاله بماند مشروطه خلی از سزما داغ تر از صدغای مشروطه طایان بین صدغای مشروطه و افغان دهمه دهده امروز موافق با سید موافق بشید این امانت مقدس و ایلات که گاه بیگ از سزماهای او بودیم شما ما نماندگان آنوقت نهمت مقدس حقا حق است برای اجرای نهضت انقلابی بگویند چه با سزما لکه کردی در انقلاب و بدیاری از سزماهای من زندهای نوشتن افاضات نامتواضون با همه انقلابی و بدیاری من سوزد خلی بین بناید خلی نوشتن بناید چیزی نسیرم اگر دست او میداد قلی جلیلیان شد دخیانی نکره قانع است آنست و راه زود قطع خلی که این تجربه های خسته اگر یک ممتصر جوانی باز کند سوزد یک رحم نسکتیکوت میبینه انقلاب مانند زدی که با دمزد دزد - دزد در هر چیزی آدم را بجائی میرسد که کسیک میوم میموم در برابر نل فرد و رهبر کار خود را این حرف حرف خلی طری نیست است خلی ممتصر است این خطاب بیسلی شورای ملی در ۲۹ است

سوزت و در دیگر بد منصف فر نشد هنوز فراموش شده هنوز آن آتشکاهی بیستی را گوشه کوشاوند است هنوز آن سزما از دهنها زبده شده است برای آقای و نشانستن میانی انقلاب هیچ ممانعت و منعی بهر از کتب انقلاب سفید خائنه از آن بر ما نیست در این کتاب پر جده را انقلاب و طرح و در آن با بیانی تری و سوز و بدون سوز و بدون بیوشی و میجانده انگیزه های انقلاب اجمالی مدعیان انقلاب و بالاخره سبأ آنکه خائنه با توسل به آراء مردم ایران و تصویب ملی کافران تحولات انقلاب را آغاز نمودند توسع داده شده است خائنه از سزما هر در کتب انقلاب سفید بخش مشرب است از اهلای حاکم و فر کاتبش قدمه از لایق برورین و ایسان مشرب نامتواضون میبندند که چگونه سزماهای حاکم در بر این اصحاب کوشه با مصلحت طلبانه مصلحت میکرده یک ممتصر مور به او را شیک ممتصر میوز با مصلحت طلبی یک نگفتم سزما را یک سبب گذارند و از پیش این قریون عتوت سزما در مملکتی است خلی از حقایق و بر این روش که خلی از حقایق برای همه سزما شود قضای سبب خلی نزدیک و فراموش نکند اینجاست که خائنه میفرماید آنها که مصلحت میکرده دم از تقویت قدرت ملی میزدند بیکره و از اینجا خط مستکان را عوض کردند آنها شیک دم از نزدیک بیخلی طها میزدند وقتی بنیدند فطیلسرتن می نویس خائنه ماملاد شخص خودشان را بخیسته تفرقا بیج بی گوشت همبکر خوانند آقا کیا میرند این مملکت را دست میگفتند مملکت را آنها بود خائنه دستند و او کار را بدانت سزما در من مجلس خلی از سزماها و دوله و ملوکها که کسب مملکت خواهی بودند که بنهت تغییر قیافه دادند بنیدند که چگونه تصفا از بی دناز شخصاتی حمایت کرده خائنه بی خاطری سوز و بنده است سوز و خائنه و تیشات شخص را جادو کنند بدون رعایت مصالح عمومی و نگر اینها که میگویند باید خسته بند (بکفر از زانسانند گان - غل انقلاب خسته) اصل

افغانستان فرستاده که آنها را که بشود تقسیم بندی میکنند بجهت ارضت.

عالم قزلب - خلاصه کنید.

زنتاب فرد - فرصت نیشود برای شما فرصت دیگری هست برای اتمام در وجهی است که منوایم صحبت کنیم شماها میتواند در حرم صحبت کنید.

عالم قزلب - اینها چیزیست یا حزب دارد؟

زنتاب فرد - در اینجا خیلی از مسائلی پیش میآید و از اینها برای دروغه ایجاد شود مسائلی چند بایشتر مزاج نیستیم (عمدهای از نمایندگان - بفرمائید ادامه بدهید) به قول اولیوم، فتن این گروه این بود یعنی گروه قزولایم بنده خودم مخالف را دانوسوی میکنم و کوتاه میآیم.

۱ - قزولایم و رژیم ارضی و دینی -
 فتن این گروه این بود که اکثریت قریب مخالف ملت ایران را در پی خردی حیافت وردگی اقتصادی فکری نگه دارد، عده معدودی قریب به هشتاد و پنج درصد از مردم ایران را در دستهای اسارت قرار میدهد و آنها را استبدادیکردند و امتیازاتی ترین و مطلق ترین داری و زمینها و اکثر اراضی زمین و اکثریت قریب مطلق مردم ایران زمین را مصادف کردند.

۲ - ارتجاع ملی -
 این گروه و طبقه ارباد اسارت فکری ملت ایران بود، این گروه قلوبت قزولایم ارضی و اداری و نظارت و بیابان ملت ایران را بجزورت امری متروک جلوه گر میبافت و مردم ایران را به سکون و قبول سردگی تسلیم میکند. بر همین اساسی که ای بوده که دولتیست نظارت کنند گان ملت ایران هر حرکت میکنند، از آنها نیرو میگردند، از طرف آنها نظوت میبندد و در راه استراحت حکومت ظالمانه آنها نیز کوشش میکند.

عواملی که اسطفا یا پناجر جلایمی میباشند و آقایان پادان نیغادیزه آهانی که بجای شما بیوند احسان فرورد نیکید که شما بجای آنها همیشه احسان

اندن کردید که نوازیست آنها را بر ملت کوتاه شده است این گروه - سهای مال تمام در حال فهم سرشته های امور و از دست گرفته بودند بر سنده های وزارت نیکید داشتند از ساسات معمول جز تأمین مصالح و آرزوهای قدرت های بیگانه درسی پانومه بودند اینها هر روز با بیگانهای توسل میکردند و به سفار نظامی چشم میروختند بیچرم های سرخ و شرف و شاد و بیچرم های سفیدند بیچرم های از خزان بودیگر میبندیدند و از آن یاد میداد اینها جز منابع جز چیزی نمیدانند و معمولاً یا مغرض بودند یا ترسو و بیرون، هر حالتی پیش میآمد مکتفند نظر جسد اشاره برای همه روشن میکرد هر وضعی اتفاق افتاد سراسری بود یا به شمال یا جنوب چند روز پیش در یک مجلس عدهای از همینها را مبادند یکی از آقایان گفت این اقدامات این همه این نصیحتات این توجهات این نصیحتات این نصیحتات این نصیحتات در این سلطنت سنی است جلوه میشود و آسبیکری خیلی زیاده رفت به جنابا درست است گفت یعنی شما که بد و بیست مؤمن خیلی محکم است گفت مؤمن که است گفت شلمحلتین آرمهای سلیسی نبودند فزاحت شده که غلامی بی کار عاف زده است گفت به یادبوست خیلی محکم است همه دلفان میخواست بیرون رفتن آن جمله خندیدند گفتند جلوه بودیگر دوران بنسبید ها گذشته است گفت بنسبوست با خدا کدام بود پیش از این مرد نیر میاداد (خواججه نوری بنسبوست داهای مردم است) کدام مرد این همه حوادث با پتشر گذشتند حافظ دوره شاهنامه است با چند بار سود صد دوی از قبیل لورا حفظ کرده همه مسائل و همه قدرت های روز گار حکومت میکند کوه و خسر زدن کی مگر شوخی است دلی بکشم بشری که الهامشند نه ادبیات اسلامی شدمند نبودند تها به آنگاه شخص عقاید و بهار و دولت بالائی از این بنسبوست میخواستند این لافها شده در این سلطنت خادم قزلب خیلی کوتاه بنده میام میخواستن مسائلی را در روز و با فکری داری بر سر دیگر

مسائلی است که هم معاملت میباید که وردگی اقتصادی و سیاسی ملت ایران که سرزمین ما نشانها را بیست سیست داری مورد نظر خود میباشند اسنادت را ملت ایران را تأمین نمایند و در حصار ترین زمانهای تاریخ تاریخ ایران را و در زیر جیرهای غلب ماندگی که سر گذارندند قزولایم اداری نیکه گاه و بیتر مناسبت اجسام اقدامات عوامل تراج کر و طرحهای ضد ملی آنها بود.

قزولایم ارضی همه جا با برخورداری از حیوانات قزولایم اداری اکثریت ملت ایران را در اسارت قرار داده بود ارتجاع سیاه در پناه سکرهای قزولایم اداری بر سازمانها مشورت کرد که کون کسود عوامل غلب مانده و مرتجع و نطقتند مردم ایران را در کف غلبت است و حرافت توجه ملی فکری خود میبند.

رجای بویسیسی که چندین سال پیش در صنعتی امپور را در کسب کلمات خود داشته، سازمانهای اداری و مطلق میل و سلیقه خود بیاید که گزای در کف در مطلقان اداری را طبق دید و اهداف خود پیور آورد.

در نتیجه سازمانهای اداری بیورکتان و سلطه ای در آمد سلب و تا ستمتظن در برین حاکم، نظمی شد و تبه شده که انقلابییر شکوه چندین مده برای مردم ریختن اسان آتوشیان گزای نظمی سو و تا ستمت ملت ایران میباند.

بنابراین بنظر مردم شکست عواملی که باید بود، بنظر پانادان بیورکتان سلطه حکومت جبار است سازمانها بومالی که پیش از این وقت ملت ایران را غارت میکنند و مردم این سرزمین را در بندهای اسارت وردگی کشیده بودند و سرشوت ایران و شلندتشان ایران را دچار انواع امعابان نموده بودند، و دستاویز آغاز کردید

شلندت ایران زمین با نظمتی بیباند، با دلوری تجربی در فتن رستاخیز را بر افراشته، با آنگاه بر یضقه عینق و اسانی (شلندتشان ایران) که صواره حامل عالیترین و شاخخ ترین آرمهای عدالت بیور اداری است، نبودی عظیم و شکرمند را بر مطلقان

وردگی برای درهم شکنن اسان قدرت حاکم نالایق آغاز فرمودند.

همچنانکه شاهزاده در کتاب افلاک سفید بیان فرموده اند: از یکجا چنین شرح و برنامه های تحول طلب و آزادگی بخش را داشته، مادر هر مرحله عوامل هیت حاکم قزولایم ارضی و اداری ارتجاع سیاه و حصار و رجای سیاسی و زغاری بود با تسویدات و توطئه های شکیب مانع از اجسام اینها میباشند.

بدین سبب شلندت، چاره جزاین نندیدند که از مردم بخوانند که به این پریش پاسخ دهند، آیا میخوانند ز جیرهای وردگی را بگشند؟ آری میخوانند آرزو و سراسر را بکنند

آنکه مردم بی همه بیکدل و یکریان شملی شلندت ایران زمین را با صلخ گفت و برعم توطئه های سازمانهای حاکم، انقلاب عظیم و بی مانند شد مردم آغاز کردند و سوسی هدفهای خود بیحرکت آمد. آری انقلاب آغاز گردید و دوره خود را تر گرفت.

لکه شملی همچنان است. انقلاب آغاز گردید. انقلاب خون در راه است، انقلاب سوسی هدفهای خود در حرکت میبندد. انقلاب با باید بیروز ساخت، باید نظمی که مردم نظر انقلاب است پیور آورد و عوامل نظمد و سازمانهای نالایق را که انقلاب برای خلق بد از آنها پیور آمد از سر راه انقلاب بدو کرد.

این موضوع عالیترین و سحرترین و قطعیانه است که هر ایرانی یا کلداری انقلاب، برایشان شلندت و دیار ملت و تاریخ این سرزمین جهده دارد.

برای بیروز ساختن انقلاب، برای آنکه انقلاب از راه تجربی خود حرکت کند و آنگونه که شلندت میخوانند همه خنای سازمانهای در برین حاکم و فساد و تباهی را درهم بکوبد و برای جمله ایرانی زندگی بی از آزادی کی در فتنه و بیروزشی پیور آورد، مسلماً باید چون دادوران گفتن لطینتر و نراق انقلابیست و نیز

عزل و اگر در آن کتبی را که با ترموشی در مسیر انقلاب فرار کرده بود خودی را می کشد گمان راه انقلاب جدید باشد مورد نظر است مدافع قرار دهد

و مانند اجزای دیگر هم که بنام انقلاب احزابی فعالیت و اقداماتی صورت گیرد که معارض با فلسفه بعد از انقلاب و اهدافی عالمی انقلاب شاه مورد باشد.

مؤسسه هنوز بسیاری از همان سنگرهای دیرین سازمان‌های خاص که مابعد شاه هستند و در حالیکه باید در آینده بزرگ متشخصه تحقیقات شاه مورد نظر قرار گیرد بر عین انقلاب با نیروی سر خود به اعتراض آورده اند ولی آنها راست نیسگویند ، آنها انقلاب شاه مورد راهنمایی خود نمایندگیند ، آنها براسی در مسیر انقلاب نیستند و چیسما ممکن است دروسی فرقه‌ها ، خیراتی سخت بر انقلاب وارد آید.

هنوز برخی از همان رجال سیاسی احزاب ضعیفی بودا همانجا که تلمذ می‌نمایند انقلاب را می‌نگرند و در همان زمین سیاسی و صومالی قوه‌های اداری و سیاسی و بسیاری از مقررات و نظاماتی که منطبق بر شیوه‌های غربی بود در پایگاه‌های خود هستند ، اینجا بدو مع و ترویج قفس مرفقای از انقلاب را بر می‌چیند زده اند .

گفته که در کلاس می‌یازند استیمنار انقلاب را بی‌فایده دانند که این کلاس را این مفسدان ، این خاندان‌ها می‌توانستند بپوشانند .

برخی مینویسند ، مثلثه‌ها بنام انقلاب اقداماتی از سوی برخی مقامات متحول صورت می‌گیرد که معارض ما انگیزه های ایجاد انقلاب شاه و مردم و اهدافی انقلاب می‌باشد .

بسیاری از کسانی که هرگز در صف انقلاب نبوده اند حتی چنگاه خودی یعنی در آن روزها یعنی در لفظه فروری بصحابت انقلاب برخاستند ، اکنون اینها خود را اعضای مرفقی می‌کنند و آیینان با همان روشهای دیرین قبل از انقلاب با کسانیکه با انقلابت و در اختیار قرار گرفته اند هرگز که امکانی را از پیوستن گان راستین راه انقلاب سلب نموده اند

بسیار است که اعلامیه شاهنشاهی را برآمده از دیدگاه سیاسی دولتی جوانان اعلام داشته اند دیده‌ها خلیج فارس را خلیج عربی می‌نگارند (فرانچیزولو- محمدنهاد از روی اسامی اعلامی بود تاریخ نتوانند اندام ولی ما مسؤلیت داریم از خانم تربیت تقاضا میکنم موافقت نظر نمایند فقط راجع سیاست خارجی چند جمله عرض کنم و عرض شود اگر احزاب دهنده تصویبات درست تا آخر نتوانم انجام تربیت - شما آرزوید! آرزوی اولی شما تصدیق است که قبایه صومعه سر کار خانبه‌عکس السلیکة بیان شده‌اند چه تا زمانی که با ما می‌کنند لکنه اساسی دیگر که باید مورد گفتگو قرار گیرد موضوع سیاست خارجی است سیاست خارجی ما بنامه مصلحت‌پرایی می‌باشد یعنی این روش را باید نوشت - سیاست خارجی ما بیشتر میزان کوشش های سازمان های خاص که حرکت دوره تأسیس شرایط مناسب و اولیای اولامه حیات حرکت مشاغل میورد .

ملت ایران بیش از یکصد سال گرفتار سلطه‌های خارجی و عوامل ناگامی بوده است که هرگز هیچ‌کس صالح نمی‌آورد ، حیات ملی را از ایرانیان گامی توپوشی داشته‌اند ، همین سبب ملی یکصد سال گذشته ، غالب اوقات می‌گذرد آیمه ، بستی و آغوش سیاست خارجی محبوب می‌باشد بر خود را بدو می‌باید ، داشتن سیاست خارجی روشن ها حتمگه با نیازهای حرکت ، فرج بر شناسایی حقوق آن ملت و انعقاد به اهداف تاریخی و نیاز های اجتماعی ملت است .

سلطه‌های خاصه ، قوه‌های ابروی و پاداری ، از بیجاغ سیاه ، عوامل خودکده و فرست طلب و پالانخره مجموعه ای که حیثت‌های خاصه را می‌بناهند ، هرگز بی‌وجود ملت ایران به حقوق از دست رفته را از ایرانیان و به نظر او آئین مفتشاهی ایران/ آنگاهای اقتصادی داشتند ، تا بتوانند سیاست ملی ایران را که در این سده‌ها هدفهای تاریخی و آرمانهای اجتماعی جامعه ایران را بدست آورند .

بنا بر این ، هرگز سیاست خارجی ، زانرا هر حیثه‌ای که عنایت می‌ورد

در مورد مصفاوی بی‌سگانه ، عدالت بود و دینار روی است سیاست های دیگران اینها را زود بدها ، این دینار روی ها حاد است و با خاطر بود که باکی از حقوق از دست رفته ملت ایران را تا تعیین می‌گردد و با بدعای تبرکی از حقوق ملت ایران که مورد توجه است سیاست های بی‌سگانه بود بر می‌خواستند

مستأثر این رژیم سیاسی سال گذشته هرگز سازمان‌های خاصه که مورد روی و مورد دودهای هیچ‌کس نیستند خارجی و بی‌فروتنی و بی‌عزت و بی‌آبروی بودند ، در شیوه‌های سیاسی و سازمان‌های وسته‌های وسته سیاست خارجی نیز به می‌خواستند و سیاست متواضعانه دوراند خط مشایق اساسی ملت ایران اقدامی نداشتند ، غالباً مشایق و سفیران و نمایندگان گانی که به کشور های خلیج و با کتبی اسامی بین‌المللی فرستاده میشد مطابق با اهداف و مصلحت‌ها بود و هرگز به احترام نداشتند ، آنها اینگونه تصور میکردند که اینها اینها می‌کند از کشور های حقوق آبن وهو و دینار بیکی از کفرانی های بین‌المللی برای این خاطر است که جناب ایشان مدعی نه استراحت می‌باشد و مال و مکتبی گرد آورند ، تجربه خلق ایشان فراموش بود همین نسبتاً زودتر کفرانی بین‌المللی زودتر مذاکره اساسی و دهر حادته‌های بین‌المللی ملت ایران لحرف بود زنده بوده است و حقوق ملت ایران در هر چه دست‌مطلوب می‌زدند و تمایز دیگران قرار گرفته است . چرا ؟

برای اینکه از گناهانی طرح کنند و اجرا کنند سیاست خارجی ایران هرگز بوقایف اساسی و اصلی خود استیانت نداشتند . آنها که باید از حقوق ملت ایران در محنت سیاست جهانی طاع می‌کردند ، برای انبساط این امر بزرگ که میسر نبوده و تا پیشگی ابغای چنین نفس را داشتند .

غالب آنها قصد می‌توانستند خوبی از همه آخرین فرغ‌رضی های خارجی بر آیند و در کلبه‌های بی‌سگانه عیش و عشرت خودشان را کنند آنگاه که بموطن برگشته باشند با تفریح و تکیه‌های بی‌سگانه ، با لایحه مستتر که به مردم ایران سرزمین غار بنوعوت برنهند .

اعمال و کردار بسیار است که در دست ز حاکمان انقلاب قرار داده و به خود راه می‌دهند. گمان راه انقلاب میدان مورد مذاکره قرار می‌دهیم.

ما نباید اجازه دهیم که بنام انقلاب احزاباً اعمال و خدماتی صورت گیرد که مغایر با فلسفه ایجاد انقلاب و اهدافی غائی انقلاب شده و مردم نباشد.

مشرفانه هنوز بسیاری از همان دستگیرهای دیرین سازمان‌های خاک‌میا را چرک و هتته و در جاکچه می‌بندد و آیدمه زودیک مشمول ظلم انقلاب شده و دچار آزادی می‌گردد.

بر چه انقلاب را برپا می‌کنیم؟ آنها انقلاب شده و مردم را به کمک خود تائید کرده آنها برستی در سبب انقلاب نیستند و چنانکه ممکن است در ضمنی فراموشی می‌شود.

خوبی و بی‌وفایی در حاکمان است. همان‌ها ضایع بود و در حاکمانی که در انقلاب با ما بود و بسیاری از مشران و نظامی که مطوق بودند هر که بود در پایگاههای خود هستند. آنها بدون وجود و تائید های طرفداران از انقلاب را بر چه می‌زنند.

گفته کلوس می‌زبان است و اما انقلابی نیستند که این کلوس را بین ضلعان، این انقلابی نیستند و مراقب انقلابی باشند.

همین مسئولیت، مشرفانه در انقلاب اقداماتی نوسوی برخی مقامات مشمول صورت می‌گیرد که مغایر با انگیزه این اهداف انقلاب شده و مردم و اهدافی انقلاب می‌باشد.

بسیاری از کسانی که هرگز در وقت انقلاب نبوده و حتی چنگا خوب نیستی در روزهای تری و لطفه تری و جمدت از انقلاب برخاسته، اکنون اینان خود را انقلابی می‌نامند و اینان با همان روشهای دیرین قبل از انقلاب، پایگاهها و بانکها را با اختیار گریخته اند که هر گونه امکانی را از پیوند گان راستین راه انقلاب طلب نموده اند.

بسی است که اعلامیه شاهنشاهی را با هم در نظر می‌گیرند و این اعلامیه را داشته اند و بدو گفته خلیج فارس را خلیج عربی می‌نامند و از اجزای آن هستند که از دومی اعلامیه بود تا به بنامه اندام ولی ما مسئولیت داریم از خانم نسبت نقضاً می‌کنیم موافقت فرمایند فقط راجع سیاست خارجی چندگانه عرض کنم و عرض شود اگر اجازه بدهند نصیحتاتی دوست تا آخر سخنانم تریب - شما آزادی را آزادی بود که من تصدیق که قافله محمود می‌کرد ختیبی که اسمی که نتان ندهند چه نظر است از اینجاست که اسمی دیگر که نباید مورد گفتگو قرار گیرد.

موضوع سیاست خارجی سیاست خارجی نامتبعی است و نامتبعی است و این نامتبعی است. سیاست خارجی باید یک میزان گوشه های سازمان های خاکه که دولت دوره نامی بر این است و اولاً می‌تواند حیات هر ملت بشمار می‌رود.

ملت ایران بیش از آنکه سایر اقوام سازمانهای خاکه در طول تاریخ داشته اند که هر که مصالح ملی ایران است و شان را از آن می‌توانی پیوسته اند همین سبب می‌کنند که گفتند، غلبه اوقات سایر آید یعنی واقعی است و سیاست خارجی می‌تواند بر خود را بیرونی نام، نخست سیاست خارجی روشن ساختن است و این است که هر که در تلاش می‌تواند ملت را بافتاد به اهداف تشریحی و نیز های اجتماعی ملت است.

سازمانهای خاکه، قوتیالیسی ایرانی، نادری، ارتجاع سیه، عوامل خودکامه و فرصت طلب و بالاخره مجموعه ای که هستند های خاکه را می‌توانند، هر که می‌تواند ملت ایران به حقوق آزادی است که تئزاً ایرانی است.

و این نظم و آیین تشنه‌های ایران که آگاهی و اعتمادی داشته اند می‌توانند سیاست ملی ایران را که دام می‌توانند اهدافی را در پی و آزادیهای اجتماعی چشمه ایرانی است در پیوند.

سیاست خارجی، از نظر جنبه‌ها که عبارت بود از سیاست خارجی ایران هر که بخواهد نامی و اصلی خود آشنایی داشته اند. آنها که نباید از حقوق ملت ایران در صحت سیاست جهانی دفاع می‌کنند، برای امنیت این امر بزرگ می‌بینند و بفرمانده و تشنگی است و چنین هستی را می‌توانند.

غالب آنها فقط می‌توانند خوبی از بنده آخرین نوعی از سیاست خارجی را ببینند و در کلیه های بنامه مجالش عیب و نقیصت خود را می‌توانند آنگاه که بدین طریق هستند با تفرعن و انکار خاص و البته مستتر است که مردم این مرز و بوم در نفوذ و نفوذ می‌روند.

دروغده مافوق نهایی می‌تواند. عبارت بود از سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود.

دروغده مافوق نهایی می‌تواند. عبارت بود از سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود.

دروغده مافوق نهایی می‌تواند. عبارت بود از سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود.

دروغده مافوق نهایی می‌تواند. عبارت بود از سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود و در ضمن سیاست های دیگران از زودت بود.

فرود ایسرا که هم‌ساز هرانه سازمانهای طرح
گنبد، و جزا گنبد می‌باشد طرح از نمایین ویران‌دشت
نموده که هرگز دارای سیاست خاص هر سه‌وفه و منعی
و همی خود بود، شیوه اجرای چنین سیاستی سیاسی چه بود
می‌شک، و همدا، همه بدین‌سان که معتبره موسی ایگه
هندست حقوق منابر ایران در هر کجا مورد تعارض قرار گرفت
و نامشهر ایران، خود دولت و نهادان و نهادان خودشان ایران
قرار گرفت، زیرا در این باره اجازت و تصویب و دینچه کردند
در خشکی، آیه و در دیوارها، و برصاف: حقوق تاریخی ما
نیایدز کردید. فرهنگ آزاد ایرانی، زبان و خط فارسی
آثار ادبی و فلسفی و هنری ملت ایران خود می‌بودند و دشمنان
قرار گرفت این بررسی مختصر از وضع سیاسی را خجسته بود
ایران در یکصد سال گذشته بود
اما اکنون چه؟ اکنون نیز ساید سلطه‌ها و
مشورین آمریکان تسلط یافته‌اند؟
اکنون کینه شاتشانه ایران زمین، با کماهای
استوار و تاریخی، جمولی در ذکرت ده زنه مشون کشور
ایجاد کرده‌اند.
اکنون دیگر زمان می‌آید است، زمان شتاخت
حقیق و ریوست و به جنبش بزرگ ملی.
شاتشانه آریامهر اثر نظر سیاست خارجی
املی آیتیان، انقلابی و آزادی‌گسی بنی با میان
فرمودند که نه تپانچون چرفنی و ادهنا برای ملت ایران
و مقامات مشون می‌باشد، بلکه از نظر روابط بین المللی و
یروزرخشان جنبش‌های ضد استعماری جهانی املی اموتی
و هدایت کرده است. شاتشانه اطلاع‌یاب بودند که سیاست
خارجی ایران «سیاست مستقل ملی است»، سیاست مستقل
ملی، یعنی سیاسی که هیچ‌چیز جز مصالح و منافع
ملت ادهنیست، یکند. یعنی سیاسی که قیاز موجود موجود
ملتان ایران، فجاز حقوق تاریخی و ادبی و اقتصادی ملت
ایران، و هیچ چیز دیگر نمی‌باید. سیاست مستقل ملی،
یعنی آنکه ما روابط خود را بهر کشور و دولت قدرتی سیاسی،
شکی در مصالح و حقوق ملت خود را برای می‌کنیم، یعنی
آنکه همه شتشانها نفوذ ایدرست سیاسی و دیگری سیاسی

را در هم می‌ریزد و آزادی و اختیار ملی خود را در اختیار
را هوار و پیش‌های سیاسی خود حفظ می‌کنیم.
اجرای سیاست مستقل ملی بود که بسبب کردید.
اما ما کشورهای بلوک شرق، روابط نزدیک اقتصادی و
بازرگانی برقرار نگینیم. برای ایجاد صنایع تولید آهن
کماهای یروزری بخش درازیم. اما گزشتن هنر ایران
را که با اکنون ازین میرفت. برای خرید کالاهای
ذوب و ایجاد صنایع سنگین و تجهیز ارتش شاتشانه
فروش برسانید. اجرای سیاست مستقل ملی، سبب کردید
تا ما نت خود را، با بازارهای فروش عرضه درازیم و این
مد استعمار را در هم شکستیم.
اما چنین تحولی ملی و انقلابی بزرگ در چه
صالح و از طرف چه کسی صورت گرفت؟ فقط شاتشانه
آری قطعاً شاتشانه آریامهر، بر پیش‌صاف‌های عوامان
استمرار کرد و شاتشانه و کلر شتکی‌های می‌آید از قزاقی
سازمانهای حاگه، این تحولات ملی تاریخی را به سر
برسانید.
نکته مهمش این است که باید سازمانهای مشون،
عوامان اجرا شتتده سیاست خارجی و دیگر عوامان خود
را باین اقدامات ملی انقلابی و ملی منطبق نمایند.
شاتشانه آریامهر، اطلاع‌یاب ملی سیاست
خارجی نمودند، سیاست مستقل ملی را، اصل راه‌نمای
سیاست خارجی ایران اعلام داشتند، و مراسم این اصل
در زمینه‌های که با نون کماهای یروزری بخش بر داشتند
اما هنوز سازمانها، هنوز اجرا کنندگان بر نامه‌ها و
غایب ادهان طرف‌زاکر دیرینه ادهنیست می‌کنند و با همان
نموده: فاماس گنشته اقدام نمی‌باشد.
آنها خود احساس مسئولیت نمی‌کنند، با ناموجود
و از انصاف لقب خود و طاق خطیر جدا که همبند را با خاص
نمی‌مانند.
همین سبب هنوز آنگونه که باید بود باید در کشورهای
خارج از حقوق ملت ایران دفاع می‌نمودند. موارد بسیار
دیبه دیده است که بزرگانها و دستگاه‌های فرستنده

را در یوزر جان کشور هائی که حتی خودش سرش عقب و
و نمی‌معا دارند. در یوزر آرد جنبی و اساسی می‌نمودند دشمنان
ایران و متجاوزین به حقوق آزاد ایرانی سخن گفته و
عوار نظر نموده‌اند.
اینها بیست‌هفت مگر آنکه، کسانی که صنوان سفیران
و نمایندگان شاتشانه‌های ایران، در آن کشور ها هستند
و سازمانهایی که بطور کلی و طبقه موفه دفاع از حقوق ملت
ایران را، و دور از مرزهای ایران موده دارند مجبور و
آنکه معتقد برای ایگی و طاق خود نیباشند.
برای نمونه نظر نمایندگان گرامی را بسطال
مشکه فرستنده تلوزیویون وین جلب می‌نماید که چند
پیش در یکی از برنامه‌های خود خلیج فارس را برای
خریب معرفی کرد و با زاید آلمان غربی
بزرگ موده خلیج فارس را خلیج عربی اعلام
نمود و اقدامات و خطای دیگر از این قبیل
آری ساله زبان‌مانه بسیار مهمی است از دوستانی که
اغیراً و یا کتلت و رقعات شتتده که با کستان ۱۵۰
شازمانه هست که زبان شیرین فارسی نمی‌گویند
آیا شتتده فرهنگیان در یا کستان چه مبلغ است
چه اقتصادی در توسعه این زبان که آید و به تعلیمی دارد
کمی‌نماید، و چه قسمی بر داشته‌اید؟ در زمین تهران این چنین
فرهنگی ایران و یا کستان زبان انگلیسی یاد می‌کنند
فرماندهای فرطی که با کستان یاد می‌کنند
آید: زبان فارسی تعلیمی کسی که: چه اقتصادی برای
نمسه انگور کرد: چه کبابی فرستاد: هزینه‌های
پولتن ایران و وزارت خانه و متصرفیه کجا می‌مانند
در آنجا که زبان فارسی می‌دارد. مگنی: که از
ملی مجلس آنها عبرت است و این شتتشانها از اشتباخت
مشورین نمود است.
این حرف‌ها را باید گفت: باید علمای تاریخ ایران گفت
بنده که تده می‌کند: آید: می‌نماید علی‌سین نامه‌های شتتده
بزرگه توضیحی که آید: موسوی کبیری در باره بسیاری
نماد همین و بسیاری ایشان از یوزر یک نفره که اند
نماد که خدا قضا بهاید ایشان را و از خطای ملک‌گنشته
می‌نامه دعا می‌کنیم (صحیح است) در این ساعت بر او
پیشن نامه‌ای نوشتند و وجدان کبیری فرمودند که بر سر

آقایان برنامه که خدا ای بکره مودحرت و نرسدی مؤسسان
درومانی و خدمتگزاران واقعی ماسود نوشته‌اند:
میدارستان محترم آریا و ادهان: لشکر از جهات
طاق فارسی‌زبان محترم آن می‌باشد: خصوصاً شتتده
مخبره جتار بر فرود ایسرا که خصائل انسانی ایشان
قبیل و ذکر همین راسته تأثیر فراتر است باعث تامل
است که در روزنامه‌های بدون تحقیق راجع به مقدار صلاح
آین می‌دارستان افراسیاب با واقعیت تطبیق نمی‌کنند مندرج
اقدار، بدینوسیله بار دیگر کما شکر خود را و نظم و
نور و خصوصاً از مندرج موده نصیای آن می‌دارستان
محترم تقدیم می‌دارم: «این را وظیفه داشتیم بخوانیم. اثر
ضدایی که داده و از حوضه‌های که مخرج دادید متشکر
(احتسبت).
فلسفی - خانم تربیت بنفشاید.
بافت خوب است: با اینجاست محترم یوزر قبل از اینکه
شروع براهیند مکتب می‌خواهم کلی خطی را عرض کنم تا
حاضر رسد بر این بود در همه جا که خانه‌ها و دختران
حوامی گشته و بهین چانگی می‌خواستند من دلم می‌خواست
جلب آقای رئیس مجلس مد ظهیر ایما گنبد که این
تقدیر در این بزرده که تا حال می‌کنند صحیح نبوده
خانه‌های ما: آید: خطی ملی ملاحظه کردند در دست می‌نمودند
عرض جناب آقای وزیر: در ختبار بود: هیچکس نیست آید
همینطور که عرض کرده هر کجی دارد: خصوصاً در
بوده آید: نظیر ما شتتده هم فرموده‌اند: بنده نظیر آید
که می‌خواستند صورت آن عرض کنم چون جناب آقای
رئیس هم فرمودند: مختصر عرض می‌کنم عیدم شده این بود
که یوزرهای که می‌باشد آمده همیشه بقصدی
زیاد بود که هنوز هم بطور خوب و صحیح نه
حلاجی شده: نه امان نظر: بنده می‌توانم ادعا کنم در این
دوران ۷۰ سال مشروطیت و دهه‌ای که هم تا نظر در آن
داشته بگذرد هم بر نامه بزریش‌کمال باشد: اخفتن صحیح
بافتوه‌ها شتتده سال آید: با تامل مگنی: در بزرده‌های
سالمی بدرا هم یکند ایماه است: بنده از صمیم قلب
بجناب آقای هم بدادولت ایشان تبریک می‌گویم که این

آزادی همه مخصوصاً معمرین را بر آورده و متوجهان را چنان
 سازد بود که چشم دوخته نشوند و به کثرت جانیان جوجه ای
 معشوقان بدندند که آفرین آسمان چنان منظرشده بود
 درتازان زهره قمری کینه ای در روزنامه نومه آمدیم که
 که با کپی چیزی بر معلومان میفرماید از پیشوایان و از آفتاب
 اجناسی فرستکی و ادبی نوی این آفرینیه ها نگارنده در
 خدایان میگویند که معزافه میگردم با یک جمله از دیده معنی
 نهدم این میجاه قدم چنان آفرین پیش منترش میشد در آفرین
 پاک مفازه معادل مسائل منخرنه آفرین غلی زاده نوشته
 بودند با این عنوان میخواستند متصل صحبت کنم که متسافه
 میسر نیست . فقدان نقشه ستاره فقدان بوجه و فقدان
 بوجه ما بیش از فقدان نقشه است این کاتیکه سالیان
 دراز آرزو داشتند و با کمال تألیف میدیدند بوجه پاره
 میآید میروند و خرج میشودند و بیچاره میگردند و هر قدر
 جانی میخواستند گفتند که با کمال بیهوشی بودم از یاد مردم
 جناب آقای غلی زاده هم که در دستریابی هستند بودند
 بماند و در کینه میبندد از رویه ایشان را بر آورده خسته خوشدل
 خوانندند (کنز حکیم شوشتری - سخا مرحوم تربیت
 راه هم بیزاری) خیلی متشکر بودم البته بتصل عرض
 میکنم در اینجا بیونکت با تمام دلایل ثابت شده که
 برعلیه ای و بدین بوجه و به نوعی است در زندگی آفرین اشخاص
 دارد مردم آلامی در آلام بودن بوجه یعنی در موقع تنظیم
 بوجه توجه به اولویتها ما در درونی زندگی میکنیم که
 یعنی در این آرزوها و اعمال بر آورده میشود یکی
 ثبت خواهد شد در این دوران که دوران بر آورده شدن
 آرزوخواه آمل است توجیه برقراریه همینطور که عرض
 کرده این آرزوها و اعمال بر آورده میشود یکی
 از آرزوهای ما این بود که این بوجهی که
 در دست الل ملکت جمع میشود چه جور و بجه نحو
 باید خرج بشود که اولویتها منتهی شود معلوم میشود
 کدام خرج را باید داد و روز کرد کلام آفرین با یکسال دیگر
 کلام همین بوجه است که پایه و اساس این مطالب را
 ثابت میکند بنده عرض کردم خیلی آرایش داشتیم

چهارده روز غریب بود که در همین بوجهی که این همه
 و آفتاب در تاریخ مشرق ما با تسبیغه است جناب آقای احمد
 ایزد آبادی را در حزب مردم که بنده تشکیل دادم و آفات
 شخصیت شان حقیقتاً آزار دهنده و از ازار دارم به ایشان
 خیلی کم بر عرض فرمودند (بگفتند از زمانه کان - و
 رعنا) برای دیدارم در شانستان مذاکرات مجلس را
 بنظرشان میرسانند عرض میکنم شما هم گوش ندهد
 بشیند ایشان چه فرمودند چه جور توصیف کردند این
 بوجه را فرمودند بوجه ای است منطبق ضمیمه ظاهرش
 و در قریب از قامت حزب زلفی خلاصه توجالی توجع فرمودند
 بنده نصب میکنم از یک فرد اقتصادی چطور میتوان
 این جور در یک هیئت بوجهی و بوجهی سال گذشته
 که با کربهای معقول با برنامهای صحیح انتصاف
 آمدند و در نتیجه در سخنانی که بزرگ گرفته هلال رشد
 اقتصادی در بوجه سندی و همی ده است که این دیگر
 قابل کلام نیست چطور جناب آقای زاهد - (نامندگان
 سنی ۹۲ است) بنده عرض می کنم کمتر نگویم
 تا بیشتر آیا این اشافه از کجا درآمد جناب آقای زاهد
 واقعا اتفاق شان اقلت است ولسی نباید بیش متکلم
 بدینی گذاشت و انتقاد کرد باید عینک حقیقت بینی
 گذاشت و انتقاد کرد (احمد - باز ترقی آفرین توجیه
 برقراریه شرایط ضمیمه آمدند در اینجا در باره حیات
 سرمایه داران صحبت کردند کسی متکر است که
 در یک ملک که رشد اقتصادی پیدا میکند باید حمایت
 از سرمایه داران شود چیک متکر نیست اما اینکه
 اما دارد آیا اجساد با اینکه بیش از حد عدالت درآمد
 آنها بجز توجیهی مندرج است؟ مالیات که گرفته
 میروند مگنا میرود بخانه دهنه بیرون کجا بیرون
 هانها تیکه آقای زاهد فرودمانه آقایان دیگر توجیه
 را دانه دان گفتند بصری آنها میرسد توجیه فرمودند
 عدالت اجتماعی آن موقع میرسد است که تمام طبقات مردم
 هر کس نسبت بدآمد خوش مالیات خود را بپردازد
 خیلی افسوس میخورم که عرض دیگری هم دارم ولسی

و ت کم است مطلب دیگر بنده روز ازارت کسور است سال
 زینس امروزه امور اجتماعی بوجه هر طرف که میروم متذکر
 حقوق بگیرم خدا شاهد است بیوزان و بیوز مردان
 عا و زان میآیند میبرسم چند کوشش میکنم ده
 نومان دوازده نومان خیلی افراف کبیت نسبت نومان بود
 حالا چه اندازه و آفتاب و دربار ما توجیه کرده اند
 این طبقات خدمتگزاران که از راه زبان و زبان و آوازه آنها
 همینطور بدینست بودند لا اقل با شایسته جناب آقای مجیدی
 در حدوده میلیون نومان با دار میکنند که همه این
 خانوارها حد افرازیست نومان کسب نکردند امر شدی
 همه شان شایسته دعا میکنند) عرض کردم در وانی است
 بر اقرار دورانی است که دولت بیدار عا امیر الهامات
 را از شناختن استیلا هم میگردم حالا بنده در اینست
 عرض کنم واقعا بیچاره هم بیچاره ام اسال من
 که خرابی مالیات متفق که جناب آقای زاهد اینجا
 تشریح کردند نه از یکطرف از زمانه کان - (انجمنان هسته)
 انجمنان بله اسال در این سه سال اگر درست فرمایشات
 ایشان توجیه فرمودید هیهات از منطقی شرح میگویند
 الهام و از ازارت شایسته آریا هم در قیامتین هم آقا
 تمام مات آحادی سلطنتمدیون اینک اصلاحیه است
 اما بنده استخراج کردم یک مطلبی که ایشان خلاصه است
 که شایسته آرایش مالیات فرمودند البته میکنند
 کربتین سن ایران شاس معروف داندراک میگویند
 بدینها واقی در ایران فقط یک رئیس سیاسی ملکت
 نیست بلکه در درجه اول یک صاحب یک مرد است کسی
 که تنها برای ملت خود راه و پل بدد و کفایتسازد
 بلکه در دوچاندیشه و قلب مردم و از جری میگویند شایسته
 آرایش هم که تمام ملت و قلب ملت مردم را در جری میکند
 (صحیح است - احمد) اینجا که همه صدوقیفر ماید
 بعضی بندهم این میان جاسوسملت را خوب و رهبری میکنند
 فقط تمام نصیرها را میمانند و سر کردن دولت آقا
 واقعا من نمیدانم آقای زاهد آن کتاب آقای اشرف
 احمدی خیلی بیخ حال در خدمت شایسته با

موازی بیا آمدند .

عزیزه شیر و زرد دستی را
چرا از تو فرسود ز زانیه احسانا
بنده غمرا کز در بهمنه وقت خستنا این بوجده
غمزای ز یاد است شاید خود بندهم به اندازه خود شده
آنرا باز کرده مطالعه کرده و میگوید و میگوید که در این
مختصر کتب همان کسان است که در ایران صحبت کرده چنان آقای
زخارف قرین نمودمان اینجا تفریق دارد باه و بسیاری از
آقایان و در اینجا از آن تفریق از آن تفریق و میگویند که
بیرون مدارس همه هاله و شکایت کردند و حق هم در اندامها
از استفسار میکند آیا آنرا نشان بدهد بوجه چه مسئولی
دارد این ریاضت طلبانه و مقدمه بیشتر تمام حوزه های
استثنایه است برای این نوشته که هیچ تیر کزیندا
نبرد شده اگر بخوانم شما را جان دانه عرض کنم زیاد
این نقطه معلوم و در این وزارت بهر آقای
وزارت بهر آقای و نوشته هاله که ما میمانیم بیرون
وزارت بهر آقای و مسئول خیره و اجناسی زیادی جهت
بیارسانهایی دارند منتظر استالی دارند و شما همیشه
مرتباً هم دیده و نوشته شده از تفریق و چون و در این وزارت
حاکم آقای دکترا ضابطی نام در جنوب و در شمال ما
مشغول انتفاع است بیارستان بوجه ما کفنگه کرد
مشکک بنده تفریق کرد درم کتب و تفریق فرمایند
آقایان ۱۳۹۱ منتظر اخبارم در نظر داشته باشید یک
تلفات در این دو سال اخیر اضافه شده میباید از این
۱۳۹۱ منتظران قریب به هفتاد آن سال مرگ است
صامتگان - (بیشتر) صفای آن کمترین بود چقدر در اقامت
دوست ندارم غلو کرد دست تفریق فرمایند که و بنصیر
دولت های امریز خود بیرون از سیاست این سالان در این وزارت
در هیچ جای چیزی بود فقط همه چیز برای سرگرد
در سای استغاف و در دستا هیچ چیز بود طلبه دیگری
که بنده میخواستیم بچوب آقای زخارف در فرمودند
تأثیر انقلاب چشم هم رفتن سایبان داشت و میبایان
چهار دست و سیامان را و چرا بآبادی که بیا یک دو عالم حاضر
حکایتی بود پیش هم نوشتیم نه های ما در دست قسمت

داشتند و از درم بهر مقدمه شده خود آقای وزیر بهر آقای
آنها تصدیق بفرمودند بنده فرسود ز زانیه احسانا
هنوز من حدیثی دارم که به شب دارو به زانیه میفرستد
غرض کرده آموزش بیرونش میفرستد آنادانی و مسکن
و اشاعته چنانچه وصه وادار در راههای آینه شده تمام
بوجده به استانی بشود و عدم بزرگی که ما وارد
انحصاری وراثت و وراثتی است مؤثر است در آسماهای
و وراثت و امانت و امانت است مؤثر است در آسماهای
تمام ایران غیر این دستا هاله بنده میخواستیم که بوضوح
نموش همه ساعت میبوم دست کم بنده شکایت و دیگر
غرض میکند در باره وراثت چنان آقای رانده ایران
و دیگر که ساعت بهر مقدمه کردن محال بود که
بنده خلاف عرض نسکیم ایشان تفریق آوردند اینجا
از جمله غیر وزیران کذب و در وقت کتب آن بنده
چون در گرفته بنده محال است که دست استغاف تمام آقای
راصد غیر از آن بنده سله ناپدید کردی از هم میماند
که بیرون از این تفریق و انکشاف استغاف استغاف و
سایر کمبودها که بنده شما در روزنامه معلوم غرض
تفریق بوجده به تفریق کرده بلکه تفریق مرا
نمودند چرا آنها را بیرون از این خاطر - این را برای
روشن کردن و شرح آوردند بنده چیزی عرض نمیکنم
بسیار ناراحتی کرده اند در وقت استغاف و اینست که
را میگویم انتظار داشته باشید و اینست که معلوم
بسیار چرا آن را نیاوردند توجه فرمایند بنده خیلی کوتاه
میکم در این وزارت اطلاعات این است استغاف استغاف
آقای مستند گفته این بوجه ما زیاد خرج میکند
مغز از مجلس بیرون آنها برافشان را بنویسم
جنبه را امید واقف بسیار جدا فرمودند که این
بوجه که هم هست آقا ما در دنیا ما نمیتوانیم
زندگی کنیم با حقیقت دوبرو هستیم من میخواهم که
بوجه های ناپاکت مالک بزرگه را بگیرم آقا همان
دولت در شکسته را به بنده برای ناپاکت چند خرج
میکند دستا هاله که در باره تفریق و امانت و بیشتر فرمود
استغاف میکند در باره تفریق و امانت و بیشتر فرمود

سخت میگویند و این را معرفی میکنند آقا در باره
انقلاب جنبه آقای و بر این اطلاعات لازم است که اطلاعات
کامل و جامعی شده و اینا بفرستید بروشده ما روشن ها
هر فردی که میخواهد در انقلاب ما مطالعه کند باید
در دسترس داشته باشد (مهندس صالحی - زبان خارجی
نمود کرده اند تمام طایفه را استا عرض این نبود غرض
این بود که واقعا مسئله ناپاکت در دنیای امروز بقدری
جهت است که ما تنها چه از لحاظ اقتصادی چه از لحاظ
اجتماعی بیشتر از راه یافتن موفق میشود این روزهای
آخر ما دولت ما یک لایحه بسیار مهمی یعنی لایحه
حفاظت خانواده را داده اند بنده راجع به این لایحه
مجلسی مطلب مخصوص صحبت کنم اطلاعات کمترین قدر
از موضوع صحبت میکنم اجناسی از خانواده ما تشکیل
میشود با خانواده ها در امر و این را در یک نکته
فرمودند در مسئله مالی غیر موردی نکته این است
استغاف تر که همین لایحه است که ما همیشه
در اساس نسکیم حسانی خانواده و چنین آینه
نوعان و فرزندان ما است (صبح است) شاید از
نظر این نکته باشد در بوجده بیشتر می است آقای
مجیدی میباید این بزم برای بهداشت خانواده گفتات
تعمدات و این طلب را از بنده ناچیز برای توضیح
انتفاع از یک نظر کلی زانیه استغاف کند و واقعا اینجا
هدف اصین را میگویم هدف اصین تفریق و کمک در
تشکیل و راهاندازی خانواده های تندرست و شاداب و
عیشین حیات از دست سلامت کودکان و نوزادان پایش
آوردن مرگه زبیر نوزادان وسط چنین در راهاندازی
والدین در دستان فرزندانی است که واقعا بتواند
به نفعش تحویل بدهد (آقای السی - با احتیاط خانواده
خانده و آقایان همه مواظبت الله میدانم مام متکی
هستیم به بردان عزیز که در اینجا در این مدت مسلط
دیم غیر از پدر و دست و سطوفت و برادر چیزی نداریم
دیشب دادم آفرام غریب خواهد فرمود (احتس -
احتس)

ولیس - آقای دکترا حکیم شوشتری فرمودند

دکتر حکیم شوشتری -

هنگامی باشند ما جنبه آقای وزیرین در یکی از فرمایشاتشان
از بحث همین فرمودند در باره صحبت استماع صحبت کرده
بنده نوبمان چرا این فرمایش ایشان از ذهنم نکند یک
بیزه دیگر بگویم آمده که در مقدمه غرض است خواست این
مطلب را بمانان کرده باشم یکی از بظن عادت داشته هر
وقت وقت صحبت میکنی با یکی از مجلسی صحبت میکنی اگر
میامد و میخواست سخنترانی میکند سخنترانی بود اگر کس
حالی جدا میکرد و متوجه دست سخت کردن نبودند
بوجه این چنین من میبوم توجه به شما یک ما صحبت
در جواب و در باره در آن حال که بود صحبت
میکرد (یکسفر از زمانه گان - این توجه استماع
داشته باشند) در مجلسی صحبت میکنی خیلی خوب کنی
آمیندو بیان کار میبوم و بیرون از مجلس صحبت
تفریح کردی بیان حال صحبت کردن صحبت سخت
این را داشت و در آن حال که بود صحبت میکند صحبت
یک و دو صحبت میکند که یک چیزی تفریق است
نگاه کردید در این محله است که میباید میگویی
این کلمه کلان در دست من است که دست من این کلمه
را در خدمت موقوف فرمایشان نام شد در این بنده
بسیار و حال که بنده فکر میکنم که واقعا ما در قبال
فرمایشات مخالفین که بنده از فرمایشاتشان گفتات
بسیار واقعی یعنی مستند و با دلیل میباید بگویند این
راهی که انتخاب کرده ام برای تقسیم بوجه به
اولین لایحه اقتصادی و در وقت استغاف ملک در وقت استغاف
مشکک ما سفر است به این دلیل که یکی از آقایان
مخالفان گفته باشند این است که طبق وظیفه آقای
طرف را فریبند به بنده معلوم شده بود بنده ضد داشته
تا آنها صحبت بکنم که آقای خواججه توری قید در را
بنده کس دیگری بدقت اولی در دسترا یعنی که خوشبختانه
دیدم یعنی آقایان که بنام مخالف صحبت کردند جمله
دوست یار و اصنام چنان آقای جنب در کمال جوانی
بوجه را بجزیره و تحلیل کردند و اعمال نیک راز

روی که در طرف سوادجی به سوارگیری می‌ماند می‌ماند
و این تعداد این اموال شده می‌خواهد سراسری چند
دو ماهی فهرست کرده این را به هیئت استماع گرفتار
سازند علت هم این است که می‌گردد سدی روی زمین کنند
فرد مراد را تصدیق می‌رود و سکونت وقف دار واقعاً
این آقایان توجه داشته باشید که اگر ما صحبت می‌کنیم
در زمره بوجه با درود یعنی از بومی که بویله دولت
به محض تقدیم اطلاع داشته باشید سس می‌توان
بست خیلی بیشتر از آنچه اینجا گفته میشود در فراسویان
مادر باره آن را توضیح مختصر می‌کنیم. حلاله می‌کنند جنسی
از نوع اعیان خودی مضافت می‌کنیم که اصلاً معلوم می‌آید
در مورد تمام احوال همه اطلاع پیدا کردیم که کردیم اگر
عرض می‌کنیم: اینها یعنی اصلاً مضافت به سوارگیری
ما فکر می‌کنیم که در مجلس آقایان هستیم و باستی
می‌کنیم (صیغی است) مضافت ما در یک وضع خاص قرار
گرفته است در اثر بیوغ ذاتی شاخته بزرگ ما و در
علیه ما در آن دهه گردانی و تصرفه بست و جدا شدن
سلطنت افغانی در این منکند بوجود آمده است و حال
این افغانی است که تمام اینها خطوط اساسی برامه
ملکته ما را شاخته رسم کرده اند ما آمده اینها
بها را اجراء می‌کنیم راه ما همین است و نظریه ای جز
اینها را رساندن افغان به سوارهای که شاخته ما ترمیم
کرده اند ما در این منکند افغانی است و نظریه ما
انجام می‌دهیم و هر وقت هم تراضی کنیم می‌رود چه
دولت چه سایرین هر چه من الویوم نفسی عزیزانیم
لوازم شاخته در آنچه برای ما ترمیم شده جز خدمت
گفتن و فداکاری کردن در آن راه را نداریم (سبح
است) بنده می‌خواستم عرض کنم وقایف دولت معلوم
است تغییر کرده شاید در آنچه هم توافق می‌رود
وقتی که فعلاً دولت دارد بجهه شان و آنگار بشود
یاک وقت دولت ما فقط و فقط نظریه امنیت را داشتند
امروز دولتها برای حفظ حیوانات و آسایش جمعه وقایف
دیگری هم دارند ملاحظه دولتی است که دولت تهیه
آذوقه و دروازه و لخت خودی نباشد هیچ ملکته است

نودند سرمایه نیا و نودند اسباب این بهترین مصرف
این است که ما در وضع بسیار اطمینان بخشی قرار
داریم اصحح استقامت سرمایه عاظم پول ما هم وضع
ملکات ما طوری شده است که در مردم و تمام مسلم
سپهان مبارز دارند در این سرمایه گذاری کنند نه هرست
و از یکی و دو طلب دیگر عرض می‌کنم اگر آقایان از آنرا
خبرند بنده خدمت عرض می‌کنم فقط در این مورد در مورد
سرمایه گذاری دولت حسرت کلامی در مردم و سرمایه
های دولت آنچه که باید توضیح داده شود داده
بنده است بنده فقط می‌خواستم عرض کنم که برای دولت
که یک پشت مصرف مردم را رفته باشد برای مردمی
مردم بهتر شده موجب شد دیگر آنهم آمده است اینجا
سرمایه گذاری کردی بنگرند که افرادی که آقایان هر دو
من باش مثال بیوان جوان عرض می‌کنم فقط خواستم
توضیح داده باشم که این افراد ما هم که می‌توانستیم
علوم اندوه ملا بگر آقایان میگفت چرا صادرات کم
شده است ما همین ایراد را بعلت داریم که باستی دولتی
که بخواهد صادرات تاش داشته باشد از راه های غنی
را موقوف کند اجتناب خاصی نباشد همیشه با هر
قسمت که شده است اجناس تولیدی را برای عرضه کردن
بازارها داشته باشند و بنده نظیر کم برای بازار وضع
اسال یتیم پیش نیاید یا بنده می‌خواستم عرض آقایان
برسانت اصل وضع صادرات ملکات ما بلجودیکه در
چند رقم از ارقام صادراتی کنگ داریم یعنی در بیشه در
حدود ۱۲۰ میلیون تومان یا در این حدود کسر صادرات
داریم سینان ما کسر صادرات دارد بعلت افزایش مصرف
داخلی چند رقم دیگر اگر کسر صادرات داریم بعلت
ببود وضع مسال و بانکت صادرات یتیم یعنی یک چنین
بتم بزرگی از صادرات ما بایزم وضع ما آنچنان بهم
نخورده است که ما بازارهای دنیا را از دست داده باشیم
صادرات ما با وضع غیر قابل پیش بینی آید آمده باشد
بنده ما توجه به بارگه صادرات داریم که ما آخر سال ۵۰۰ هزار
موانعی در عرض حدود صادرات نسبت با پیش بلجودی که

دو تا یک رقم جانشان که بنده کسر صادرات پیش آورده
برقرار است مضافت فلان می‌کنم در آنچه یک نماینده داشته
باشیم چون آقایان می‌فرمایند یکی از افرادی که خوبه دولت
کرده است این است که جلوگیری از صدور اجناس کرده
است موجب شد دولت مقادری از صادرات ما را باین آمده
است و یکی دیگر از افرادی که صادرات ما را باین آورده
است که بشینانی است که بعلت تمام وضع بنده بنده بنده
موجب شده است مصرف داخل زیاد شود خواه ناخواه
مانند آستین بهر صادر کنیم و در داخله مصرف شده
مخصوصاً اینکه مصرف کوه شیبانی مثل موز است مسا
میرسد خواه ناخواه در وضع آمده کشور ما در وضع
اصطلاحاً ملوحتز بوده است و بنده خیلی زیاد وقت آقایان را
بصرفه بنگریم ولی بنده می‌خواهم چند مطلب که اینجا
عنوان شد عرض آقایان می‌رسانم یکی در مورد دروید
گرچه آقای نصرت وزیر جوان این مطلب را داده اند ولی
بنده بکنی از کوچکترین دستگزاران عالم بزرگترین این
فدائت و مخلصان از خارج وارد کنند بهتر این است که
از چند ملکات وارد کنند و در صورتی خاص اگر
کسانی توانسته از بارهای لوکس استفاده کنند
بشوند در راههای ارزانی داشته باشند اگر از یک نوع که
صرف درواشا در اویخته است بقیه تبدیل نکتید این
بمصلحت ملکات است وزارت بهادری کل هائی
انجام داده که یکی از دستخاسترین کارهای مبارزه با
بیباه و آقایان این مایه سرفاقی است که دینی در این
ملکات آمده است و آنچنان توانستیم مبارزه کنیم که مالک
بیشتره در با ملکات ما را ملکتها که از لحاظ و با تشخیص
داده یعنی اگر گشتا بخواهد برود به اروپا اگر ایران
محل حرکت شما باشد از شما بر روانه تعلق و اکسین و با
تسخواهند این واقعاً برای ما افتخار آمیز است بنده با
توجه ببقعه مراسم واقعاً میل ندارم وقت آقایان را
بگیرم ولی فهرست دار عرض می‌کنم وزارت آسنادی و
سکن در خویش آنچنان کارهای انجام داده است که

مورد شکر ماست خانه سازی کرده حاد های فرعی ساخته
ایک نفر از ما باشد گمان - و طبعه اش بوده اند و طبعه اش بوده
ولی انعام داده احتشامی - در آذربایجان شده اگر کسی
از برنامه ها زده شده ولی آقایان توجه فرمایند هزار
کیلومتر راه آهن که برای بوجود آمدن صنعت بزرگ
ذوب آهن احتیاج داشتند بازند موافقاً با ما اینقدر
گذشت داشته باشیم که یک قسمت از برنامه هائیکه برای
برخ کشیدن عموم در این چند سال لازم بود جلوی این
کارها گرفته شود و ما باید از روی کمال خوش بینی این
مطلب را قبول کنیم در مورد وزارت اقتصاد باید عرض کنم
کارهایی بخصوص در خوزستان انجام شده بنده لازم است
راجع سرمایه گذاری در صنعت آلومینیوم با کمک
همسایگان ما که چه چیزها را میگیرند که سرمایه گذاری
که بوسیله یعنی ممالک شده بسیار کم است ولی در مورد
آلومینیوم باید عرض کنم پاکستان به اختصاص دادن بازار
بزرگترین کار را برای امکان بوجود آوردن این کارخانه انجام
داده و اگر شش درصد سرمایه گذاری کرده و تا حال این
از یکدهم از این پول را نبرد اختتامی ملاحظه فرمایند
دادن آن بازار خیلی خیلی ناچیز است (صحیح است) در
مورد کارخانه پتروشیمی ما امیدوارم در آمدی حدود $\frac{1}{4}$
در آمد نفت در خوزستان داشته باشیم سرمایه گذاری که
در مورد یکی از زراعات که در کشور ما وجود داشته شده
است یعنی تیشکر مایه اختصار ماست و آیم بسیار درختانی
برای مملکت ما نوید میدهد در این مورد هر چه از
طرف دولت خرج شده الگوی صحیح بدست آمده و عمل
صحیح بوده است همه آقایان اطلاع دارند در حدود پانصد
هزار تن مصرف قند و شکر ماست و دو بیست و چند هزار تن
بیشتر تولید نداریم هر چه در این مورد سرمایه گذاری
کنیم که بتوانیم از خارج وارد کنیم بسیار بسیار خوبی

کرده ایم و این کارها و جیبان کارهای دیگر برنامه آن ریخته
شده در کمال صحت و درستی و روی گمان دلوری انجام
میگیرد و یکی از اختصارات ما در مملکت نمودار وضع
مملکت ما و عذرات از این است که بودجه خوبی داریم و
کار بودجه و مصرف پول ما بسیار جاست سابق بر این برای
گرفتن چند دلار بیه در سرفهائی در این مملکت داشتیم
چه بیسوهائی صرفت چه واسطه هائی میفرستادیم و بعد
هم چه شرابلی برای ما تعیین میکردند الان ما هر قدر
کارخانه دوام بخواهیم از خارج تحصیل کنیم کشورهای
مختلف صاحبان صنایع مختلف در این مورد با هم
مسابقه میدهند پول ما آنچنان ارزش بین المللی
یافته که شما در تمام دنیا با قیمتی همانند قیمت
بانک در تمام دنیا آنرا میخرید این مایه اختصار ماست که
قیمت اسمی پول ما در بازار و در بانک یک طور است پول
ما بازار سیاه ندارد استنادی این است که ما بودجه خیلی
خوبی داشته ایم خیلی خوب صرف کرده ایم در راه
رشد اقتصادی ما بسیار خوب قدم برداشته ایم من توفیق
همه خدمتگزاران خاصه این دولت را در سایه شایسته
آریامهر از خداوند میخواهم و امیدوارم این مجلس که
تا بحال حقیقه خودش را انجام داده بعد از این هم بتواند
در راه همکاری با دولت قدم بردارد از حوصلهتان متشکر

۴ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - چون وقت دیر است و آقایان دکتر مهدب
پروین ، مجید حسینی ، مهندس ربیاحی میخواهند صحبت
کنند با اجازه خانها و آقایان جلسه را ختم میکنیم و
در ساعت ۹ بعد از ظهر مجدداً جلسه خواهیم داشت .
(در ساعت هفت و پنجاه دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - مهندس عبدالقادر ریاضی